

A large billboard in Tehran, Iran, featuring portraits of Iranian leaders and citizens saluting, with the text "ما را ای کهن بوم و بر دوست دارم" (I love my ancient land and my dear friends) and "روح جهان سبز اگر دوست دارم" (If I love the green world's spirit). The billboard is part of a campaign to support the war in Ukraine. In the foreground, a person is seen from behind, wearing a green and white headscarf and a red and white shawl, looking towards the billboard. The background shows a busy street with shops and other people.

یادداشت

جنگ را مردم به پایان می‌رسانند

آن سوی آتش و آسمان

امید محسنی

هفت صبح

ده روز، کجا ایستاده‌ایم؟ فقط خبر نقل کرده‌ایم یا روایت ساخته‌ایم؟ فقط بیانه‌ی جناب کرده‌ایم یا واقعیت را شکافته‌ایم؟ اگر ما در میدان روایت شکست بخوریم، پیروزی موشکی هم به چشم مردم نمی‌آید. باید از فریاد زن نه باید گرفت، باید از مردمان نه باید گرفت، باید از آن‌ها حرف زد. بی‌پرده، اما با تدبیر. حالا، در پایان این ده روز، ما یک چیز را می‌دانیم: این جنگ، اگر چه ممکن است پایانش با یک توافق یا یک سکوت نظامی و حتی ادامه جنگ باشد، اما اثرش تا مدت‌ها باقی خواهد ماند. در حافظه مردم، در سبک روایت رسانه‌ها، در زبان تحلیل‌گران و در اعتماد یا بی‌اعتمادی که در دل‌ها شکل می‌گیرد.

جنگ ایران و اسرائیل، فارغ از اینکه چند روز یا چند هفته طول بکشد، به ما نشان داد که بازدارندگی فقط موشک نیست. بازدارندگی، روایت درست است. اعتماد عمومی است. هوشیاری اجتماعی است. جنگ را موشک‌ها آغاز می‌کنند، اما مردم به پایان می‌رسانند. یا با ایستادگی‌شان، یا با فرسودگی‌شان.

حالا نوبت ماست. نه فقط نیروهای مسلح، نه فقط دیپلمات‌ها. نوبت همه ماست که بفهمیم این جنگ چقدر به ما مربوط است و چطور می‌توان آن را روایت کرد، دوام آورد و از دلش عبور کرد.

با آدم‌هایی بی‌چهره، با دست‌هایی که بمبی را در جای حساسی می‌گذاشتند و فرار می‌کردند. مزدورانی که نه پرچم دارند، نه نشان، اما مأموریت دارند. ما هم ساکت نبودیم. سامانه‌های دفاعی به کار افتادند. آسمان کشور، زیر نظر گرفته شد. پرنده‌های دشمن شناسایی و سرنگون شدند. مأموران امنیتی در جای جای شهر ایست و بازرسی ایجاد کردند، موشک‌ها با دقت به عمق خاک اسرائیل رفتند و پیام‌شان را فرستادند. سامانه‌های دشمن را فرسودند. نقاط ضعف‌شان آشکار شد. این یعنی بازدارندگی هنوز زنده است. یعنی پاسخ فقط شلیک نیست؛ پاسخ می‌تواند سنجیده، چندلایه و هوشمند باشد.

اما همه این‌ها، بدون مردم، بدون ذهن آرام و منسجم، شکل نمی‌گرفت. شکل نمی‌گیرد. این مردم هستند که باید بایستند، که باید روایت درست را بشنوند، که نباید خسته شوند. ده روز ترس، ده روز اخطار و هشدار، ده روز شایعه، ده روز بی‌خبری یا بدخبری... دل‌هایی که می‌لرزند، ذهن‌هایی که آشفته‌اند و زبانی که دنبال اعتماد می‌گردد. افکار عمومی اگر ترک بردارد، اگر مردم احساس کنند در تاریکی‌ها رها شده‌اند، اگر احساس بی‌پناهی کنند، آن وقت هیچ سامانه‌ای نمی‌تواند امنیت را تضمین کند.

ما خبرنگاران، چه کرده‌ایم؟ در این

ده روز گذشته، ده روز پر از التهاب، ترس و امید، پرتاب، خبر، سکوت، شایعه و نگاه‌هایی که در آسمان دنبال موشک بوده و در زمین دنبال معنا. از همان لحظه‌ای که نخستین انفجار شنیده شد، دیگر مشخص بود این جنگ قرار نیست فقط در مرزهای شعار بماند. این جنگ، فراتر از خاک است؛ جنگی چندوجهی. در آسمان هست، در خیابان هست، در ذهن مردم هم، در زبان خبرنگاران، در تیترو روزنامه‌ها و در تنفس شبکه‌های اجتماعی. موشک‌ها پر تاپ شدند. پهپادها رد شدند. سامانه‌ها فعال شدند. همه این‌ها را دیدیم و شنیدیم. اما پشت این نمایش مهیب، جنگ دیگری در جریان بود. جنگی که صدایش نرم‌تر، اما اثرش عمیق‌تر است؛ جنگ روایت‌ها. جنگ روانی، جنگ شایعات و بازار داغ اخبار جعلی، نادرست و گاهی گمراه کننده. یکی خبر می‌ساخت، یکی انکار می‌کرد، یکی وحشت می‌پراکند، و یکی از قهرمانی‌ها می‌نوشت. حقیقت؟ لایه‌لای خطوط ناپیدای این روایت‌ها، مدام شکل عوض می‌کرد.

اما جنگ فقط در هوا نبود. زمین هم بی‌صدا می‌لرزید. نه با تانک، نه با توپ، بلکه با خرابکاری‌های کوچک،

آرشیو

حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در میانه بازی استراتژیک میان تهران - واشنگتن

عملیات چندسطحی در خاورمیانه؛ حمله، فریب، یا پیغام مذاکره؟

کرده بود برای تصمیم‌گیری در خصوص پیوستن به رژیم صهیونیستی در جنگ با ایران دو هفته زمان نیاز دارد.

❖ ترفند ابهام آفرینی با اظهارات متناقض

این حمله، در حالی رخ داد که تنها ساعاتی پیش از آن، دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای گفته بود «برای تصمیم‌گیری دو هفته زمان نیاز دارد». این تضاد نه یک اشتباه، بلکه بخشی از الگوی رفتاری رئیس‌جمهور آمریکا است که می‌توان آن را «تاکتیک ابهام آفرینی با اظهارات متناقض» نامید. اظهارات دونالد ترامپ همچون بسیاری از مواضع گذشته‌اش نه صرفاً تهدیدهایی توخالی اند و نه کاملاً بی معنا؛ بلکه ترکیبی از بلوف‌های صریح و هشدارهای واقعی‌اند که با هدف ایجاد ابهام و برهم زدن تعادل روانی طرف مقابل مطرح می‌شوند. ترامپ به همان اندازه که بلوف می‌زند، به همان میزان راه هم می‌گوید تا مخاطب را در آشفتگی ذهنی و سردرگمی نگه دارد. چه آن زمان که ادعا کرد جنگ روسیه و اوکراین را «در یک روز» به پایان می‌رساند، و چه زمانی که هشدار داد اگر حماس گروگان‌ها را آزاد نکند «درهای جهنم» را خواهد گشود که هیچ کدام از این وعده‌ها محقق نشد.

❖ سنار یوهای محتمل در میدان بازی چندجانبه

ما با یک بازی چندسطحی مواجهیم که بازیگرانی چون ایران، آمریکا، اسرائیل، کشورهای خلیج فارس، روسیه و چین در آن حضور دارند. اما محور بازی را دو کشت کلیدی شکل داده‌اند: حمله محدود آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران و هم‌زمان باز ماندن پنجره مذاکره. این وضعیت، بازی را از یک تقابل دو جانبه به شبکه‌ای از تعاملات تبدیل می‌کند. بر این اساس، می‌توان سه سناریوی اصلی را تصور کرد:

۱. بازی تنبیه با پنجره مذاکره:

فشار کنترل شده برای تغییر رفتار

در این سناریو، حمله آمریکا نه با هدف آغاز جنگ، بلکه به عنوان یک تنبیه نظامی دقیق و محدود طراحی شده است. پیام ترامپ دو گانه است: «ما می‌توانیم کمینم، اما ترجیح می‌دهیم مذاکره کنیم.» این بازی به مدل «تنبیه مشروط» در نظریه بازی‌ها شباهت دارد، که در آن، بازیگر طرفدارمند (آمریکا) با یک حرکت تنبیهی سعی می‌کند هزینه ادامه مسیر قبلی (پیروی ایران در برنامه هسته‌ای) را بالا ببرد، اما هم‌زمان مسیر بازگشت (مذاکره) را نیز باز می‌گذارد.

اگر ایران تهدید متقابل نظامی انجام دهد، هزینه بازی برای دو طرف افزایش می‌یابد. اما اگر پاسخ تهران فقط دیپلماتیک باشد و در عین حال گفت‌وگو مقاومت را حفظ کند، توازن جدیدی شکل می‌گیرد که هیچ‌یک از طرفین امتیاز کامل نمی‌گیرند، اما تقابل به درگیری تمام‌عیار نیانجامد.

۲. بازی بازدارندگی نامتقارن:

تهران با کارت‌های منطقه‌ای بازی می‌کند

در این سناریو، ایران با علم به محدود بودن دامنه حمله آمریکا بازی را در میدان دیگری مثل بستن تنگه هرمز یا تهدید

متحدان منطقه‌ای آمریکا منتقل می‌کند تا هزینه پاسخ نظامی آمریکا را بالا ببرد بدون آن که مستقیم وارد نبرد شود. به این ترتیب بدون حمله مستقیم به منافع آمریکا، بازی به یک جنگ فرسایشی بدل می‌شود که تعادل را حفظ می‌کند. در این مدل، هر گونه ورود مستقیم آمریکا به جنگ تمام‌عیار، به احتمال زیاد با واکنش روسیه و چین (سیاسی، اطلاعاتی، شاید تسلیحاتی) مواجه خواهد شد. در این تعادل، آمریکا نمی‌تواند با یک حمله محدود به نتیجه بلندمدت برسد.

۳. بازی ابهام راهبردی:

ترامپ و تاکتیک شوک و نرمش

اگر ایران الگوی رفتاری ترامپ را رد کرده، خود را در گیر واکنش‌های هیجانی نکند، می‌تواند با حفظ بازدارندگی و تداوم فشارهای غیرمستقیم، بازی را به سوی فرسایش پیش ببرد. اما اگر گمان کند ره اظهار نظر ترامپ جدی است، ممکن است وارد دام واکنش شتاب‌زده شود. تعادل مطلوب برای تهران، شناسایی این الگوی رفتاری و تنظیم سیاست خارجی بر فرض بی ثباتی گفتاری رئیس‌جمهوری آمریکاست.

ترامپ، برخلاف چمبرلین نخست‌وزیر بریتانیا که برای جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دوم با آلمان مذاکره می‌کرد نشان داده که به برخی تهدیدهای خود جامه عمل می‌پوشاند؛ اما همچنان ائتلافی منسجم ندارد. اتحادیه اروپا هنوز برابر حمله آمریکا موضع قاطعانه‌ای نگرفته، چین آن را محکوم کرد، روسیه به دنبال بهره‌برداری از فادی اخلاص‌تراژیک است. در چنین فضایی شناخت انگیزه‌ها و ظرفیت‌های بازیگران اهمیت فوق العاده‌ای دارد و واکنش احساسی به تحریکات اولیه می‌تواند تبعات جبران ناپذیری داشته باشد.

❖ چه باید کرد؟ درس‌هایی برای ایران و منطقه

در چنین صحنه پیچیده و چندلایه‌ای از بازی قدرت، ایران بیش از هر چیز باید الگوهای رفتاری دونالد ترامپ را بشناسد و از گرفتار شدن در دام اظهارات متناقض او، بپرهیزد. ابهام آفرینی دهنفمند ترامپ نباید به واکنش‌های هیجانی یا محاسبات ناخنه منجر شود. در کنار این شناخت روان‌شناختی و سیاسی، ایران باید انسجام داخلی را تقویت کرده و دیپلماسی فعال‌تری در منطقه در پیش بگیرد، به ویژه با کشورهایی چون عمان، قطر، ترکیه و عراق که پیش از نقش‌های ایجابی گر ظاهر شده‌اند. افزون بر این، افزایش هزینه‌های اقدام نظامی برای ایالات متحده، از طریق تدابیر اقتصادی، اطلاعاتی و امنیتی دهنفمند و نه الزماً از مسیر نظامی مستقیم ضرورتی راهبردی است. در نهایت، بهره‌گیری از ائتلاف‌های نرم جهانی و نهادها و بین‌المللی می‌تواند در مهار و تعدیل رفتار رایج مژ مؤثر واقع شود، به ویژه اگر این اقدامات در جهت شکل‌دهی به اجماعی بین‌المللی درباره لزوم بازگشت به مسیر مذاکره باشد. در این میان پیگیری حقوقی تخلف اشکار آمریکا به تأسیسات هسته‌ای کشوری به طور رسمی عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است می‌تواند محمل خوبی برای مقابله با آمریکا و اسرائیل باشد.

محسن عسکری جهفی

هفته صبح

حمله آمریکا به خاک ایران با اینکه نیمه شب رخ داد اما بسیاری از مردم همچنان بیدار بودند و اخبار را دنبال می‌کردند. در قیاس با دیگر حمله‌های هوایی و با توجه به آنچه در رسانه‌های داخلی و شاهدان عینی روایت شد، ابعاد حمله با آنچه مشاهده و احساس شد همخوانی نداشت. بسیاری در شبکه‌های اجتماعی چین می‌گفتند که نه صدای انفجار مهیبی شنیده‌اند، نه آتش سوزی گسترده‌ای مشاهده شد، در نهایت چند عکس ماهواره‌ای از خساراتی خبر می‌داد که آمریکا آن را گسترده و مقامات جمهوری اسلامی آن را ناچیز می‌شمردند. حتی ژنرال کین، رئیس ستاد مشترک آمریکا که فرماندهی این عملیات را به عهده داشت گفت: ارزیابی نهایی از خسارت وارده شده به تأسیسات فردو هنوز کامل نشده و همچنان در حال انجام است و به نظر می‌رسد که نهایی شدن این گزارش کمی طول بکشد.

او که با لباس نظامی پشت تریبون رفته، مقابل دوربین رسانه‌های جهانی سخن می‌گفت اعلام کرد که حدود ساعت ۱:۴۵ بامداد به وقت ایران، بمب افکن‌های بی-۲، دو بمب سنگرشکن ۱۳۶۰۰ کیلوگرمی از نوع MOP (مهمات نفوذگر عظیم‌الجثه) را روی فردو رها کردند. سپس ۱۴ بمب دیگر از همین نوع روی تأسیسات طنز و فردو انداختند. اما این حجم از مهمات با آنچه مشاهده شد لااقل از دید افکار عمومی همخوانی ندارد.

ژنرال کین توضیح داد که تعداد زیادی هواپیماها نسبت به انتظاری که در نهایت به ایران حمله کردند، از ایالت میسوری به سمت ایران به پرواز درآمدند، اما اکثر آن‌ها در عملیات «فریب» به سمت غرب منحرف شدند. تا اینکه هفت فروند بمب افکن B-۲ در پروازی ۱۸ ساعته و با چند بار سوخت‌گیری هوایی به سوی ایران ادامه مسیر دادند و هواپیماهای جنگنده اسکورت از جهتی متفاوت به این بمب افکن‌ها ملحق شدند. به گفته وی در این عملیات آمریکا با حملات سایبری، آتش پیش‌دستانه توسط جنگنده‌ها، نسل چهارم و پنجم، و شلیک ۲۴ موشک تاماهاوک از یک زیر دریایی برای منحرف کردن توجه ایران به کار گرفت تا بمب افکن‌های بی-۲ بتوانند به سمت تأسیسات هسته‌ای فردو و طنز پیشروی کنند. در مجموع ۷۵ سلاح هدایت‌شونده در این عملیات به کار رفت و دهه‌ها فروند موشک تاماهاوک نیز از زیر دریایی به سمت اهدافی در مرکز ایران شلیک شد که به تأسیسات هسته‌ای اصفهان اصابت کردند. به گفته مقامات ایرانی یکی از جمله وزیر دفاع این کشور روی مه رفته، پیش از ۲۵ فروند هواپیما از نیمه‌شب جمعه ز جمله بمب افکن‌های بی-۲، تانکرها سوخت‌رسان، هواپیماهای طعمه، شناسایی و جت‌های جنگنده در این حمله شرکت داشتند ولی جنگنده‌ها و بمب افکن‌ها تقریباً ۲۵ دقیقه را در آسمان ایران بودند.

بن همه در حالی بود که ترامپ چند ساعت قبل تر اعلام



گزارش هفت صبح از فعالیت واحدهای تولیدی و خدماتی در بحبوحه جنگ

کارگران همچنان مشغول کارند

هفت صبح | انکار نه انکار که چند هفته پیش، اعتصاب کرده بودند و از حمل کالا خودداری می کردند. حالا می گویند که مشکلات البته حل نشد ولی به هر حال، شرایط جنگی است و برای مردم هم که شده، پاهایمان را از روی ترمز برداشتیم و گاز می دهیم.

به گزارش هفت صبح، این فقط کامیون داران نیستند که این روزها، دلخوری هایشان را کنار گذاشته اند و شبانه روز، جاده های کشور را طی می کنند تا کالاهای مورد نیاز مردم و جامعه را تامین کنند. هزاران کارگران ایرانی در شرایطی که کارمندان دولتی در استان تهران و برخی دیگر از استان های بزرگ، دور کار شده اند با قدرت در حال تلاش هستند تا دست کشور و مردم در این روزهای سخت و تلخ، خالی نماند.

«ناصر» مدیر یکی از شرکت های تولیدی واقع در شهرک صنعتی شمس آباد می گوید: به جز چند نفر از بچه ها، همه از همان روز اول سر کار آمدند. معدود کسانی هم که در روزهای ابتدایی، همراه با خانواده های خود از تهران رفته بودند، این هفته به کار برگشتند و خوشبختانه کارخانه ما در دو شیفت مشغول فعالیت است.

می گوید: وقتی انفجار بندر شهید رجایی اتفاق افتاد، تامین مواد اولیه ما به مشکل افتاد. آن موقع کاری نداشتیم ولی هر

روز، همه سر کارهای خود بودند تا فعالیت ما دوباره از سر گرفته شود. خوشبختانه سه هفته پیش مشکل مواد اولیه ما تامین شد و از آن روز، روزی دو شیفت کاری می کنیم و حتی در همین روزهای سخت هم، یک ساعت از فعالیتمان کمتر نشده است.

تعطیلی؛ شوخی می کنید!

ایبوذر از نیروهای پیمانکاری شهرداری تهران است که در منطقه ۶ فعالیت می کند. وقتی از او درباره تعطیلی و وضعیت حضور پاکبانان شهرداری در روزهای اخیر سوال می کنم، لبخندی می زند و می گوید: شوخی می کنی! کی تعطیل کردیم که این بار دوم باشد.

وی البته نگران است اما سعی می کند چیزی بروز ندهد. می گوید: راستش گاهی می ترسم اما زود یادم می ره. به هر حال باید کار شهر و مردم راه بیفته و اگر قرار بود با هر ترقه ای، کارمون تعطیل شه که سنگ روی سنگ بند نمی شد.

فراموشمان نکنید

تعطیل نشدن در این روزها البته فقط مختص کارگران شهرداری و کامیوندان نیست. کارگران ده ها واحد تولیدی، این روزها با انتشار بیانیه ها یا گفت و گو با رسانه ها، اعلام



چرخ صنایع، تامین مواد اولیه و زندگی روزمره مردم را فلج کند ولی مردان و زنان ما با تمام قوا در کارخانه ها، مزارع، کارگاه ها و مراکز خدماتی حضور پررنگ داشته و کار را سنگر اصلی می دانند.

علی بیگی با بیان اینکه کارگران ثابت کرده اند در همه صحنه ها از وطن دفاع می کنند، افزود: کارگران سربازان جبهه اقتصادی هستند. در این زمینه نباید مردم نگرانی داشته باشند چون چراغ واحدهای تولیدی خاموش نشده است.

وی با بیان اینکه کار جهاد است و کارگران مجاهد هستند، گفت: کارگران با تمام وجود برای نیازهای معیشتی فعالیت می کنند و پای کار ایران هستند. جامعه کاری به عنوان سربازان جبهه اقتصادی در سنگر تولید آماده خدمت به مردم شرافتمند و همیشه سرافراز ایران، هستند.

شرایط حساس، با تمام توان پای کار ایستاده ایم و بیش از همیشه برای تولید بهره ور تلاش می کنیم، خواستار پرداخت مطالبات مزدی خود شده و اعلام کردند که مزد فروردین، اردیبهشت و خرداد سال جاری آنها پرداخت نشده است. این کارگران با بیان اینکه قطعاً تولید را متوقف نمی کنند، می گویند: انتظار داریم لاقل بخشی از معوقات مزدی مان در شرایط فعلی پرداخت شود. برخی از ما برای تامین نیازهای اساسی زندگی با مشکل مواجهیم و انتظار داریم کارفرما با کارگران همکاری لازم را داشته باشد.

شریف و لایق تحسین

در همین زمینه «اولیا علی بیگی» رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور می گوید: مردم کنار هم ایستاده اند و از وطن دفاع می کنند. دشمن می خواهد



گزارش

پیامدهای بسته شدن تنگه هرمز برای اقتصاد جهان

سناریوی هرمز؛ تنگه باروت؟

هنوز غبار جنگ غزه از آسمان خاورمیانه فرو ننشسته بود که رژیم صهیونیستی جنگی را به ایران تحمیل کرد و جهان با چالشی تازه و نگران کننده روبه رو کرد. اسرائیل، با استناد به پهانه های دیر آشنا-غنی سازی اورانیوم در ایران- کشور را به ورطه جنگی تحمیلی کشانده که پیامدهای آن، فراتر از مرزهای منطقه، اکنون اقتصاد جهانی را در گیر موحی از تورم و بی ثباتی کرده است. این جنگ، که در ظاهر با هدف مهار برنامه هسته ای ایران آغاز شد، در عمل به زنجیره ای از بحران های ژئوپلیتیکی و اقتصادی دامن زده که بازار انرژی را بر لرزه انداخته و امنیت عرضه جهانی را در هاله ای از ابهام فرو برده است.

با افزایش تنش ها و صدور فرمان حمله به برخی تأسیسات هسته ای در ایران از سوی رئیس جمهور ایالات متحده، جنگ وارد مرحله تازه شده است و بازار انرژی به این مسئله واکنش نشان داده به همین دلیل بازار جهانی در معرض بازگشت تورم قرار گرفته است. در گزارشی که شبکه CNN منتشر کرد عنوان شد که افزایش قیمت نفت و گاز تقریباً اجتناب پذیر به نظر می رسد. با این حال، پرسشی که همچنان مطرح است، میزان پایداری این افزایش قیمت هاست.

برخی تحلیل ها حاکی از آن است که با آغاز فعالیت بازارها در شب یکشنبه، قیمت نفت حدود ۵ دلار در هر بشکه افزایش یافت و به ۸۰ دلار رسید. بسته شدن تنگه هرمز می تواند تأثیری چشمگیر بر قیمت کالاهای در سطح جهانی داشته باشد، هر چند شدت این اثر به نوع کالا، مسیرهای جایگزین حمل و نقل و مدت زمان اختلال بستگی دارد.

در اروپا نیز احتمال دارد قیمت بنزین از ۲.۵ یورو در هر لیتر فراتر برود، که فشار ترمی قابل ملاحظه ای را بر اقتصاد مصرف کننده وارد می سازد. هزینه حمل و نقل دریایی، به ویژه برای نفتکش ها، در برخی مسیرها تا ۴۰ درصد افزایش یافته است. در کنار آن، بیمه کشتی ها با افزایش ریسک عبور از منطقه، ممکن است تا ۲۰

نجریه، کویت و قزاقستان نیز سهم های قابل توجهی در بازار صادرات نفت دارند. مجموع صادرات این ده کشور، بیش از ۸۵ درصد از کل ارزش صادرات جهانی نفت خام را تشکیل می دهد.

انگرانی ها درباره تنگه هرمز

بسته شدن این تنگه مهم، فراتر از تأثیر مستقیم آن بر بازار انرژی، می تواند دامنه ای گسترده تر از پیامدها را بر تجارت بین المللی کالا تحمیل کند. این آبراه حیاتی یکی از مسیرهای کلیدی حمل و نقل جهانی است و هرگونه اختلال در آن، زنجیره تأمین جهانی را به شدت تحت فشار قرار خواهد داد.

بنابراین انسداد تنگه هرمز در بلندمدت منجر می شود که برخی شرکت ها تحت فشار هزینه ای و عملیاتی، در مسیر و شکستگی قرار گیرند. این مسئله منجر به گرانی بسیاری از کشورها شده به همین دلیل واکنش های را نیز به همراه داشته و در صورت عملیاتی شدن نیز احتمالاً سکوت نخواهند کرد.

واکنش کشورها به سناریوی بسته شدن تنگه هرمز

احتمال انسداد این آبراه راهبردی، واکنش های متعددی را از سوی بازیگران کلیدی بین المللی در پی داشته است، چرا که این آبراه حیاتی حدود ۲۰ درصد از نفت جهان را جابه جا می کند و هرگونه اختلال در آن می تواند پیامدهای اقتصادی و امنیتی گسترده ای به همراه داشته باشد.

در مجموع، واکنش ها از سوی کشورهای ذی نفع ترکیبی از نگرانی های امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک است. آمریکا به دنبال بازداشتن ایران از اقدام نظامی است و در این مسیر تلاش دارد نقش چین را نیز در مدیریت تنش ها پررنگ کند. چین، هر چند به طور علنی موضع گیری تندی نشان نداده، اما از منظر امنیت انرژی خود، نگران تحولات پیش روست.

کشورهای حاشیه خلیج فارس، که هم صادرکننده انرژی اند و هم به صادرات پایدار وابسته اند، در تلاش اند تا از ظرفیت های زیرساختی جایگزین استفاده کرده و از ورود به بحران مستقیم پرهیز کنند.

برای تضمین امنیت مسیرهای حمل و نقل انرژی، از جمله اقداماتی است که بسیاری از تحلیل گران بر ضرورت آن ها تأکید می کنند. بسته شدن تنگه هرمز نه تنها بر بازار نفت، بلکه بر ستون های تجارت جهانی، بهای کالاهای و ثبات اقتصادی در سطح بین المللی تأثیرگذار خواهد بود. از همین رو، مدیریت بحران در این نقطه حساس جغرافیایی نیازمند تدابیر هوشمندانه، رایزنی فعال و هماهنگی میان فرامی است.

سنگی که دیوانه های در چاه انداخت

به واسطه یک تصمیم سیاسی ترامپ برای حمایت از نتانیاهو، جهان ناگهان با موجی از ناامنی و بی ثباتی اقتصادی روبه رو شده است. دنیایی که در آن خطوط دریایی، بنادر، بازارها و زندگی روزمره میلیون ها انسان، زیر سایه تصمیماتی فردی قرار گرفته که فرسنگ ها دورتر از خاورمیانه گرفته شده است.

در دل تحولات پرشتاب ژئوپلیتیکی، ایران آرام اما مصمم، جایگاه خود را در معادله جهانی بازتعریف می کند. کشوری که در قلب «بیضی استراتژیک انرژی» جای گرفته و در مجاورت تنگه ای ایستاده که نبض انتقال نفت جهان را در دست دارد، دیگر صرفاً یک بازیگر منطقه ای نیست؛ بلکه به یکی از محورهای اصلی در نظم نوین انرژی جهانی بدل شده است. این موقعیت، همچون شمشیری دولبه، هم فرصت هایی بی بدیل پیش روی ایران می گذارد و هم چالش هایی پیچیده را به همراه دارد.

تنگه هرمز، که روزانه حدود یک پنجم نفت جهان از آن عبور می کند، در کنترل مستقیم ایران قرار دارد. این موقعیت، به ویژه در بزنگاه های بحرانی، به تهران



آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای

دانشگاه سیستان و بلوچستان در نظر دارد انجام کلیه امور خدمات عمومی، نظافتی، پیشخدمتی و پشتیبانی دانشکده صنعت و معدن خاش به شماره ۶-۱۴۰۴ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و الزامی است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه، مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۴ می باشد. آخرین مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: حداکثر تا ساعت ۱۹ عصر شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۷ و آخرین مهلت زمانی ارسال پیشنهادها: حداکثر تا ساعت ۱۲ چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ می باشد، زمان بازگشایی پاکت ها: ساعت ۰۸ صبح روز شنبه ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ می باشد. اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه: آدرس: زاهدان-بلوار دانشگاه-سازمان مرکزی دانشگاه سیستان و بلوچستان-مدیریت حقوقی و قرارداد های دانشگاه و تلفن ۰۵۴-۲۱۱۳۶۲۰۴ اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۲۳۴ دفتر ثبت نام: ۰۸۹۶۹۷۲۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش "ثبت نام / پروفایل تأمین کننده / مناقصه گر" موجود است.

*هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.

م الف ۲۱۱۴

استعفانامه جعلی پزشکیان در شب داغ موشک‌ها

جنگ فتوشاپی دشمن باموشک کاغذی

گروه سیاسی | در بحبوحه حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران و افزایش فشارهای خارجی، ناگهان نامه‌ای در فضای مجازی دست‌به‌دست شد که مدعی بود مسعود یزشکیان استعفا داده است. این شایعه در حالی منتشر شد که کشور در وضعیت جنگی به‌سر می‌برد، دولت جلسات اضطراری خود را برگزار می‌کند و رئیس‌جمهور در میان مردم حضور داشت. اما آیا انتشار چنین خبری تنها یک «فتوشاپ» ساده بود؟ یا بخشی از نقشه‌ای دقیق‌تر در میدان جنگ روانی؟

یک نامه، دو میدان
نامه جعلی استعفای رئیس‌جمهور دقیقاً در روزی منتشر شد که حملات سنگین آمریکا به فردو، تلنزن و اصفهان انجام شده بود. همزمانی این دو واقعه نشان می‌دهد که شایعه مذکور، بخشی از یک عملیات روانی هدفمند بوده است؛ تلاشی برای القای فروپاشی از درون و تضعیف روحیه مردم. حبیب‌الله عباسی، مدیرکل روابط عمومی دفتر رئیس‌جمهور، بلافاصله این شایعه را تکذیب کرد و آن را «نامه‌ای جعلی، ساختگی و فتوشاپ‌شده» خواند. او تأکید کرد که پزشکیان تنها استعفا نداده، بلکه با اراده‌ای راسخ‌تر، در میدان اداره کشور و مدیریت بحران‌های جنگی حاضر است. در عین حال، بررسی لایه‌های مختلف این شایعه، ما را به سه سناریوی تحلیلی می‌رساند.

عملیات روانی دشمن در جنگ ترکیبی
فتوشاپ، امروز تنها ابزار یک گرافیک‌سست نیست؛ در میدان جنگ ترکیبی، تصویری جعلی می‌تواند مانند بمبی دقیق عمل کند. دشمن با استفاده از فتوشاپ، تلاش می‌کند تا با ایجاد شکاکیت در ذهن مردم، روحیه را تضعیف کند و به اهداف خود دست یابد. این عملیات، بخشی از یک جنگ ترکیبی است که در آن، تصویرسازی با واقعیت‌سازی درگیر می‌شود.

روایت
روایتی که در فضای مجازی پخش شد، مدعی بود که مسعود یزشکیان، رئیس‌جمهور وقت، نامه‌ای به رئیس‌جمهور وقت داده است که در آن از استعفای خود به دلیل مشکلات اقتصادی و فشارهای خارجی، استعفا داده است. این نامه، که به صورت یک فتوشاپ در فضای مجازی پخش شد، مدعی بود که یزشکیان، رئیس‌جمهور وقت، نامه‌ای به رئیس‌جمهور وقت داده است که در آن از استعفای خود به دلیل مشکلات اقتصادی و فشارهای خارجی، استعفا داده است.

بقائی: روسیه نقش فعالی در شورای امنیت و منطقه داشته باشد مسکوزیر ذره‌بین جنگ ایران واسرائیل

انتظارات روشن تهران از مسکو

در یکی از حساس‌ترین مقاطع تقابل نظامی-رسانه‌ای ایران با اسرائیل و آمریکا، نشست خبری اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، به صحنه‌ای برای تبیین مواضع رسمی و اعلام انتظارات راهبردی جمهوری اسلامی ایران بدل شد. این نشست نه تنها پاسخ‌های صریح به حملات نظامی اخیر داشت، بلکه بازتابی از جنگ روانی، بازتعریف مشروعیت دفاعی، و مطالبه‌گری دیپلماتیک نیز بود.

تجاوز غیرقانونی، حق دفاع مشروع
بقائی در نخستین محور سخنان خود، تأکید کرد که حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران هیچ‌گونه مشروعیتی نداشته و به صراحت قوانین بین‌الملل را نقض کرده است: «پای ما ایران‌بان، اقدام آمریکا در تعرض به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران، که همگی تحت حمایت‌های اژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نظارت کامل و مستمر این نهاد قرار داشته‌اند، اقدامی کاملاً غیرقانونی و مجرمانه است. هیچ‌کس در جهان و هیچ مرجع بین‌المللی نمی‌تواند این تجاوز را به هیچ شکلی توجیه کند.» وی در بخش دیگری از سخنان خود افزود: «ما با آمریکا در حال جنگ دیپلومک به این کشور بخواهد به بهانه دفاع از خود اقدام کند. همین وضعیت درباره رژیم صهیونیستی نیز صدق می‌کند.»

دیپلماسی فعال، انتظار از روسیه
اما آنچه این روزها در افکار عمومی نیز در جریان بوده ر زبان دستگاه دیپلماسی نیز جاری شده است. حرکت سریع ایران به سوی شرکای راهبردی چین و روسیه در سال‌های گذشته، هماهنگونه که مورد تأیید دولت‌ها و حاکمیت ایران است، اما در میان مردم و رسانه‌ها تبدیل به توقعات و مطالباتی شده که انتظارات دوسویه را تقویت می‌کند. نقش روسیه بعد از حضور ترامپ در عرصه قدرت و جنگی که قبل از آن در اوکراین در گرفت، نقشی پاک محور نبوده و ابعاد مختلف رفتار مسکو همچنان در صدقار می‌گیرد. سخنگوی وزارت خارجه ایران در بخش مهمی از سخنانش، به روابط ایران و روسیه اشاره و از مسکو انتظار موضع‌گیری جدی‌تری را مطالبه کرد: «ایران، به‌عنوان کشوری که موافقت‌نامه شراکت راهبردی با روسیه دارد، انتظارات

دیدار عراقچی و پوتین در کرملین

دیپلماسی به وقت مسکو

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، دوشنبه ۲ تیرماه ۱۴۰۴ در کاخ کرملین میزبان عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، بود. این دیدار، که در بحبوحه تنش‌های منطقه‌ای ناشی از تجاوزات اسرائیل و آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران برگزار شد، فرصتی برای رایزنی‌های راهبردی میان دو شریک دیرینه فراهم کرد. پوتین با اشاره به گفت‌وگوهای اخیر خود با رهبران آمریکا، اسرائیل، امارات و رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان، از حضور عراقچی در مسکو ابراز خرسندی کرد و گفت: «این دیدار به ما امکان می‌دهد تا درباره مسائل فوری منطقه بحث کنیم و راه‌حلی برای برون‌رفت از بحران بیابیم.»

پوتین تجاوز به ایران را «بی‌دلیل و غیرقابل توجیه» خواند و بر مواضع روسیه در محکومیت این حملات، که در بیانیه‌های وزارت خارجه و شورای امنیت سازمان ملل منعکس شده، تأکید کرد. او روابط روسیه و ایران را «طولانی‌مدت، خوب و قابل اعتماد» توصیف کرد و افزود: «ما به

کند. همان‌طور که موشک‌ها زیرساخت‌ها را می‌زنند، تصاویر ساختگی هم اعتماد عمومی را هدف می‌گیرند. در این نگاه، انتشار نامه استعفا تنها بخشی از پازل بزرگ‌تری است که دشمن برای شکستن انسجام ملی طراحی کرده است.

هم‌پوشانی تهدیدهای بیرونی و خلاهای درونی
تجربه تاریخی نشان داده است که در فضای مبهم، خبرهای جعلی بهتر نفس می‌کشند. زمانی که دولت شفافیت رسانه‌ای کافی نداشته باشد و جریان رسمی از اطلاعات رسانی هوشمندانه غفلت کند، میدان برای شایعه‌سازان آماده‌تر می‌شود. هرچند این بار واکنش سریع دولت، از گسترش این خبر جلوگیری کرد، اما هشدار مهمی برای آینده نیز بود. شاید در نگاه اول، شایعه استعفا تنها یک اتفاق رسانه‌ای تلقی شود.

اما وقتی در روز دهم یک جنگ تمام‌عیار مطرح می‌شود، باید آن را در قامت یک حمله حساب‌شده تحلیل کرد. هدف، زیر سؤال بردن ثبات سیاسی در روزهای است که بیش از هر زمان دیگری، کشور به



طراحی و اجرا می‌شود. «و نسبت به تحریف مفاهیم و جایجایی جای قربانی و متجاوز هشدار داد: «این جنگ را اما آغاز نکردیم؛ این جنگ بر ما تحمیل شد.»

در پاسخ به برخی انتقادات و تمرکز بر مسائل فرعی، بقائی به صراحت گفت: «ما اجازه نخواهیم داد هیچ موضوع حاشیه‌ای تمرکزمان را از دفاع از ایران عزیز منحرف کند. آنچه اکنون در اولویت ماست، دفاع جانانه از کبان ایران و دفع شر دشمنانی است که با حمایت آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، جنگی ناعادلانه را علیه این سرزمین آغاز کرده‌اند.»

حافظه جمعی ایرانیان، گواه مظلومیت هسته‌ای
سخنگوی وزارت خارجه در بخش دیگری از این نشست خبری با رجاع به فاجعه شیمیایی سردشت در جنگ ایران و عراق، اتهامات اخیر به ایران درباره تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای را رد کرد و به نقش برخی کشورهای غربی در مسلح‌سازی صدام اشاره کرد: «اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله تسلیحات هسته‌ای، اتهامی بی‌سنگین علیه کشوری است که خود قربانی این تسلیحات بوده است.» او با ذکر نام آلمان، مسئولیت تاریخی این کشور در تجهیز صدام به سلاح شیمیایی را یادآوری کرد: «مطالبه تاریخی و مستمر ملت ایران از دولت آلمان همچنان پابرجاست. مردم ایران هرگز فراموش نخواهند کرد که آلمان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی مواد لازم برای تولید سلاح‌های شیمیایی رژیم بعث بود.»

جنگ روایت‌ها: میدان دوم نبرد
همچنین بقائی در تحلیل شرایط رسانه‌ای حاکم بر جنگ جاری، از «کارزار روانی» سخن گفت که همزمان با عملیات نظامی جریان دارد: «همزمان با جنگ سخت و تابوآوری که علیه کبان ایران در جریان است، یک کارزار روانی و جنگ رسانه‌ای کاملاً آشکار علیه ایران

بین‌الملل ایستاده است.» او روابط تهران-مسکو را «راهبردی» خواند و به همکاری‌های هسته‌ای، از جمله ساخت نیروگاه بوشهر توسط روسیه، اشاره کرد. عراقچی افزود: «روسیه در دستیابی به توافقات هسته‌ای نقش مثبتی داشته است.» وزیر خارجه ایران با اشاره به «شرایط خطر» منطقه، تجاوزات اسرائیل و آمریکا را «مهم‌شروع» و ناقض هنجارهای بین‌المللی دانست و تأکید کرد: «ایران در حال دفاع مشروع

برای مقابله با تجاوز است. کاظم جلالی، سفیر کشورمان در مسکو اعلام کرد که هیئت ایرانی پس از مسکو، به سه کشور اروپایی، آسیایی و عربی سفر خواهد کرد تا رایزنی‌ها را ادامه دهد. این دیدار سومین سفر عراقچی به روسیه در مقام وزیر خارجه است. پیش‌تر، عراقچی در ۲۸ فروردین ۱۴۰۴ پیام رهبر انقلاب را به پوتین ابلاغ کرده بود. این گفت‌وگوها نشان‌دهنده عزم مشترک دو کشور برای تقویت دیپلماسی و مقابله با تهدیدات منطقه‌ای است.



تهران برگزار شد، نشان داد دولت همراهی با مردم را از نزدیک پیگیری می‌کند. رئیس‌جمهور همچنین شامگاه یکشنبه به حضور در یکی از بیمارستان‌های تهران، ضمن عیادت از تعدادی از مجروحان جنایات رژیم صهیونیستی، در گفت‌وگو با مسئولان بیمارستان، از روند درمان آنها مطلع شد.

روایت
روایت حماسه، ورزش، غیرت و فداکاری
دو کشتی‌گیر زنجانی که در حمله اسرائیل به شهادت رسیدند



روزهایی که آسمان ایران شاهد حماسه فرزندان خود است، خبر تلخ و سنگینی از استان زنجان قلب‌ها را لرزاند. دو تن از قهرمانان ورزشی و فرزندان برومند این دیار در حملات ناخواسته رژیم صهیونیستی به خاک ایران، به خیل شهیدان پیوستند. رضا نجفی و دلاور امیرخانی، دو نام آشنا برای مردم زنجان، نه فقط در میدان ورزش، بلکه در سننر غیرت و دفاع، تا پای جان ایستادند و جاودانه شدند.

شهید رضا نجفی: قهرمانی از خاک تا افلاک
رضا نجفی، متولد سال ۱۳۵۹، مردی از جنس صلابت و ایمان، هم کشتی‌گیر بود، هم معلم اخلاق. سال‌ها پیش روی تشک کشتی برای زنجان افتخار آفرید و نامش در بین جوانان شهر به عنوان پهلوانی بی‌بدیل بر سر زبان‌ها افتاد. عباس محمدی رئیس فدراسیون کشتی زنجان در گفت‌وگو با خبرنگار گفت صبح درباره شهید نجفی گفت: «او متاهل بود و پدر دو فرزند، خانواده‌اش تشک‌گاهی چون کوه داشتند و حالا جای خالی‌اش، آسمانی از دلنگری را برایشان رقم زده است. اما رضا تنها برای خانواده‌اش قهرمان نبود؛ برای مردم ایچود و زنجان، برای جوانان ورزشکار، و برای هم‌زمانش در سپاه‌الگوئی کم‌نظیر به شمار می‌رفت.»

شهید دلاور امیرخانی: صبور، مردمی، فداکار
شهید دلاور امیرخانی، متولد ۱۳۶۹، کارمند رسمی سپاه انصارالمهدی و فعال در بخش هوافضای استان زنجان، از دیگر شهدای این حمله تروریستی بود. مردی خوش‌اخلاق، مردمی و عاشق خدمت. محمدی در مورد شهید امیرخانی گفت: «او پدر سه فرزند خردسال بود و با تمام وجود برای سربلندی کشورش تلاش می‌کرد. در میدان ورزش نیز خوش درخشیده بود؛ از قهرمانان اول استان در بین نیروهای

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابرای شماره ۱۴۰۲/۲۲۹۶، مورخه۱۴۰۲/۰۲/۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدابانتصرفات مالکانه بلامعارض سیدمرتضی فرزندانیاور بشماره شناسنامه ۵۷-۱۳۳۰۰۰ صادره از اسداباد درشدانگ یک باب ساختمان دارای کاربری مسکونی به مساحت۶۵/۵۵ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵۵ اصلی واقع در بخش ثبت ملک اسداباد شهرک ولی عصر خیرداری ازمالک رسمی سیدجمال قاضی و عبدالرضا امامی محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شودورصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی تواننذارتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراف خودرا به این اداره تسلیم وپس ازآخرسدیظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت تقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف: ۲۹۴

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابرای شماره ۱۴۰۲/۲۳۱۸، مورخه۱۴۰۲/۰۲/۱۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقردواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدابانتصرفات مالکانه بلامعارض منصورصادقی فرزندانعلی صفر بشماره شناسنامه ۱۰-۲۳۶۳۱ مترمربع و اسداباد درشدهار قطعه ۱- ششدانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰/۲۳۶۳۱ مترمربع و اسداباد درقسمتی ازپلاک شماره ۱۱۱ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اسداباد اراضی روستای سمیران خیرداری ازمالک رسمی علی صفرصادقی فرزندانجاملی ۲- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۲/۱۳۷۸ مترمربع در قسمتی ازپلاک شماره ۱۱۱ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اسداباد اراضی روستای سمیران خیرداری ازمالک رسمی علی اکبرصادقی فرزندانعلی پاشا ۳- ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰/۸۱۷۷۸ مترمربع در قسمتی ازپلاک شماره ۱۱۱ اصلی واقع در بخش حوزه ثبت ملک اسداباد اراضی روستای سمیران خیرداری ازمالک رسمی علی اکبرصادقی فرزندانعلی پاشا محرز گردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شودورصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی تواننذارتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراف خودرا به این اداره تسلیم وپس ازآخرسدیظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود رابه مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است درصورت تقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادرخواهدشد. م الف: ۲۹۶

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد
هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی



موج همبستگی جهانی، سدی در برابر طوفان جنگ



بیش از ۳۰۰ هزار نفر در لندن و صدها هزار نفر در سراسر جهان علیه حملات هوایی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران به خیابان‌ها آمدند

گروه بین‌المللی با آغاز حملات هوایی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در فردو، نطنز و اصفهان، که روز شنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ توسط دونالد ترامپ اعلام شد، جهان شاهد خیزشی بی‌سابقه از اعتراضات مردمی است. این اقدام،

که به انتقادهای شدید بین‌المللی همراه شده، نه تنها خشم ملت‌ها را برانگیخته، بلکه موجی از همبستگی جهانی را به نفع ایران به راه انداخته است. از خیابان‌های شلوغ پایتخت‌ها تا میدان پر از جمعیت در شهرهای

کوچک، مردم با فریادهایی علیه جنگ و در حمایت از صلح به پا خاسته‌اند. این جنبش، که در کمتر از ۴۸ ساعت شکل گرفته، نشان‌دهنده اراده‌ای جمعی برای جلوگیری از گسترش درگیری در خاورمیانه است.

هزاران نفر در میدان تقسیم بود که با شعارهای «ایران تنها نیست» و «صلح برای خاورمیانه» همراه شدند. در آفریقای جنوبی، کیپ‌تاون نیز میزبان تظاهراتی بود که فعالان ضدجنگ با برپایی چادر و پخش اعلامیه، حمایت خود را نشان دادند.

جهان در همبستگی با ایران

این موج اعتراضی فراتر از آمریکا و بریتانیا گسترش یافته است. در پاکستان، شهر کراچی شاهد تجمعاتی بود که شرکت‌کنندگان با شعار «دیگر جنگ کافی است» و روشن کردن شمع، همبستگی خود را نشان دادند. در فرانسه، پاریس میزبان تظاهراتی بود که معترضان با پرچم ایران و پلاکاردهایی علیه سیاست‌های ترامپ، در میدان باستیل گرد آمدند. در یونان، آتن با حضور صدها نفر و در فیلیپین، مانیل با تجمعاتی در مقابل سفارت آمریکا، صدای اعتراض بلند شد. ژاپن نیز با تجمع در مقابل سفارت واشنگتن در توکیو، که دهه‌ها نفر با پلاکاردا «نه به جنایت ترامپ» شرکت کردند، به این موج پیوست. در هند، کشمیر تحت کنترل هند شاهد تظاهرات شیعیان بود که با پرچم ایران، حمایت خود را اعلام کردند. در اسپانیا، مادرید برای تظاهرات دیگری در ۲۸ ژوئن برنامه‌ریزی کرده و در آلمان، برلین و مونیخ نیز گروه‌های صلح‌طلب در حال سازمان‌دهی هستند. در آمریکا لاتین، کوبا با حکومتی شدید حمله از سوی میگل دیاز کانل، رئیس‌جمهور، و تظاهرات در هوانا، به این جنبش پیوسته است. در ترکیه، استانبول شاهد تجمعاتی با حضور

فضای مجازی: صدای مردم در هشتک‌ها

در کنار خیابان‌ها، فضای مجازی نیز به میدان نبرد علیه جنگ تبدیل شده است. شبکه‌های اجتماعی مانند ایکس شاهد ترند شدن گسترده هشتک‌هایی بوده‌اند که حمایت از ایران را فریاد می‌زنند. هشتک #StandWithIran با بیش از ۵ میلیون توییت از دیروز تا امروز، به یکی از پرطرفدارترین‌ها تبدیل شده و کاربران از آمریکا، بریتانیا، کانادا و ایران با انتشار تصاویر تظاهرات و پیام‌های حمایت‌آمیز، آن را زنده نگه داشته‌اند. هشتک #NoWarOnIran نیز با حدود ۳.۵ میلیون استفاده، به‌ویژه در میان فعالان صلح‌طلب در اروپا و آسیا ترند شده و همراه با شعارهایی مانند «جنگ راه‌حل نیست» و «ترامپ متوقف شود» منتشر می‌شود. هشتک #IranUnderAttack با تمرکز بر تصاویر و ویدئوهای آسیب‌های ناشی از حملات، بیش از ۲ میلیون بار به اشتراک گذاشته شده و کاربران با انتشار گزارش‌هایی از تخریب تأسیسات هسته‌ای، خشم خود را نشان داده‌اند. #StopTheWar نیز با بیش از ۴ میلیون توییت، به نمادی از خواست جهانی برای پایان درگیری‌ها تبدیل شده و در کشورهایمانند فرانسه، آلمان و استرالیا

به شدت ترند شده است. سلبی‌تهایی مانند بندیکت کامبرج با انتشار پیامی با هشتک #IranForIran، به این جنبش دامن زده‌اند. همچنین هشتک #IranStrong با تأکید بر مقاومت مردم ایران، در میان ایرانیان خارج از کشور بیش از ۱.۵ میلیون بار استفاده شده است. گروه‌های آنلاین مانند کمپین‌های ضدجنگ و حامیان حقوق بشر نیز با فراخوان‌هایی در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام و تلگرام، مردم را به استفاده از این هشتک‌ها و سازمان‌دهی تظاهرات بیشتر تشویق کرده‌اند. ویدئوهای زنده از تظاهرات، که با این هشتک‌ها تگ شده‌اند، میلیون‌ها بازدید کسب کرده و پست‌هایی با مضمون «ایران تنها نیست» و «ترامپ پاسخگو خواهد بود» به سرعت ویرال شده‌اند. این فعالیت‌ها نشان‌دهنده یک شبکه جهانی هماهنگ در حمایت از ایران است که از فضای مجازی به خیابان‌ها کشیده شده است.

تحلیل و چشم‌انداز

این اعتراضات گسترده، که از لندن تا هوانا و از نیویورک تا توکیو امتداد یافته، فشار بی‌سابقه‌ای بر دولت‌های غربی وارد کرده است. کارشناسان معتقدند که این همبستگی، به‌ویژه با قدرت گرفتن هشتک‌ها در فضای مجازی، می‌تواند دولت‌ها را به سوی دیپلماسی سوق دهد. با برنامه‌ریزی برای تظاهرات بیشتر، از جمله در مادرید و واشنگتن، به نظر می‌رسد صدای مردم جهان، مهم‌تر از صدای سیاستمداران باشد. این هشتک‌ها با یک صدا فریاد زده‌اند که جنگ راه‌حل نیست. این همبستگی عظیم، که با بیش از صدها هزار نفر در سراسر جهان به اوج رسیده و با ترند شدن هشتک‌های حمایت‌آمیز تقویت شده، نه تنها از ایران حمایت می‌کند، بلکه خواستار آینده‌ای عاری از خشونت است.

از کودتای ۱۳۳۲ تا بمباران ۱۴۰۴: رابطه ایران و آمریکا داستان مداخله، خیانت و مقاومت است

هفتاد سال خصومت؛ پنج دهه ایستادگی

روایتی ایران و آمریکا بار دیگر به نقطه‌ای حساس رسیده است. یکشنبه‌شب، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، دستور حمله مستقیم به مراکز هسته‌ای ایران را صادر کرد و مدعی شد که «زیرساخت‌های هسته‌ای ایران را نابود کرده‌ایم». حمله‌ای بی‌سابقه که ۱۲۵ هواپیمای جنگی، ۷۵ بمب هدایت‌شونده و مشارکت اسرائیل انجام شد، تنها تازه‌ترین حلقه در زنجیره‌ای از خصومت‌های واشنگتن با ملت و کشور ایران است؛ زنجیره‌ای که از ۷۰ سال پیش آغاز شد و هرگز گسسته نشد.

آغاز خصومت: نفت، کودتا، سلطه

ماجرای سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) آغاز شده؛ زمانی که دولت ملی دکتر محمد مصدق تصمیم گرفت نفت ایران را از چنگال استعمار انگلیس خارج کند. شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC) که در عمل یک شرکت انگلیسی بود و فقط ۱۶ درصد از سود را به ایران می‌داد، سال‌ها منبع اصلی درآمد بریتانیا بود. پس از ملی‌سازی نفت، دولت انگلیس با کمک آمریکا برنامه سرنگونی مصدق را کلید زد. در عملیات «اِژنسی»، سازمان سیا با همراهی «های‌۶» و همکاری مستقیم برخی دربارنشینان و نیروهای ارتش، در مرداد ۱۳۳۲ دست به کودتا زد. شاه که به رم گریخته بود، بازگردانده شد و مصدق به سه سال حبس محکوم گردید. این کودتا، نخستین نمونه مداخله مستقیم آمریکا در ایران بود و این تجربه تلخ، پایه‌های بی‌اعتمادی تاریخی ملت ایران به واشنگتن را بنا گذاشت.

روایات اتمی، شاه و «صلح آمریکایی»

در دهه ۳۰ و ۴۰ خورشیدی، همکاری‌های هسته‌ای ایران و آمریکا، در چارچوب برنامه «اتم برای صلح» آغاز شد. آمریکا در سال ۱۳۳۶ قرارداد با ایران امضا کرد که بر اساس آن، یک راکتور تحقیقاتی با مقادیر قابل توجهی اورانیوم با غنی‌ی بالا به تهران تحویل داد. ایران حتی عضو پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ات‌بی‌تی) شد. تا اواخر دهه ۵۰، ایران در حال آماده‌سازی برنامه‌ای بود که قرار بود تا سال ۲۰۰۰ میلادی، ۲۰ نیروگاه هسته‌ای در کشور ایجاد کند. اما همین روابط نزدیک، بذر بحران‌های آینده را کاشت. برنامه‌ای که روزگاری با پشتیبانی آمریکا آغاز شد، پس از انقلاب اسلامی و پایان سرسپردگی کشور ایران به ایالات متحده، تبدیل به «تهدید» شد و بهانه‌ای برای تحریم و حمله.

انقلاب اسلامی و پایان وابستگی

در سال ۱۳۵۷، پس از دهه‌ها حکومت خودکامه پهلوی و استقرار فرهنگ و سیاست غربی، مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه شاه و میراثش قیام کردند. مردم انقلابی، نظام سلطنتی را ساقط کرد و ساختار سیاسی-اجتماعی جدیدی بنا نهادند

گزارش ویژه

کالبدشکافی افول اروپا

از معمار دیپلماسی هسته‌ای

تا پیاده‌نظام واشنگتن و تل‌او‌یو



امیر آرام
هفت صبح

افول نقش اروپا ریشه در وابستگی تاریخی آن به پس از جنگ جهانی دوم دارد. پیمان ناتو (۱۹۴۹) و حضور نظامی آمریکا، اروپا را به چتری امنیتی وابسته کرد که استقلال راهبردی‌اش را محدود ساخت. این وابستگی، در بحران‌های خاورمیانه، از جمله عراق (۲۰۰۳) و لیبی (۲۰۱۱)، اروپا را به دنباله‌رو واشنگتن بدل کرد. در پرزده هسته‌ای ایران، اروپا تا پیش از خروج ترامپ از برجام (۲۰۱۸)، نقش میانجی را ایفا می‌کرد، اما ناتوانی در حفظ توافق پس از تحریم‌های آمریکا، شکاف عمیقی با ایران ایجاد کرد. با بازگشت ترامپ به کاخ سفید صفحه دیگری در سیاست خارجی اروپا ورق خورد. تروئیکا نه‌تنها از مذاکرات عمان کنار گذاشته شدند، بلکه در شورای حکام آژانس، با پیش‌نویس قطعنامه ضدایرانی (۲۲ خرداد ۱۴۰۴)، صرفاً در قامت ابزار فشار واشنگتن و تل‌او‌یو عمل کردند.



تکته کلیدی اینجاست که تا پیش از این تصور می‌شد، اروپا و آمریکا سناریوی «پلیس خوب و بده» را علیه ایران اجرا می‌کنند که ذیل آن، ایالات متحده با فشار حداکثری و آلمان، فرانسه و انگلستان هم با دیپلماسی، برجام نمونه این تقسیم نقش بود، اما خروج آمریکا و انفعال اروپا این سناریو را فروپاشید. در شش ماهی که ترامپ به قدرت رسید، اروپا حتی توان ایفای نقش پلیس خوب را از دست داد. مذاکرات ژنو (۳۰ خرداد ۱۴۰۴) با عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، نمایشی بود و تروئیکا، به‌جای حکومتیت تجاوزات اسرائیل (۲۳ خرداد) و آمریکا (۱ تیرماه)، ایران را به خوشتنداری دعوت کرد. بیانیه تروئیکا پس از ژنو، با تأکید بر «امنیت اسرائیل»، نشان داد اروپا نه‌تنها

مستقل نیست، بلکه در خدمت تل‌او‌یو عمل می‌کند.

بی‌شک ناتوانی اروپا نتیجه عوامل «ساختاری» است؛ نخست، تشتت داخلی اتحادیه اروپا. پیروا در برابر فشارهای ترامپ برای اقتصاد، فرانسه بر قدرت نظامی و بریتانیا بر روابط پسارگزیت با آمریکا تمرکز دارد. این اختلافات، هماهنگی در سیاست خارجی را مختل کرده است. دوم، نفوذ لابی‌های صهیونیستی در پایتخت‌های اروپایی، به‌ویژه لندن و پاریس، تروئیکا را به حمایت از اسرائیل واداشته است. سوم، ضعف اقتصادی اروپا پس از بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین، قاره سبز را به آمریکا وابسته‌تر کرده است. در نتیجه، اروپا در برابر فشارهای ترامپ برای همسویی با تجاوزات علیه ایران مقاومت نکرد. تصویب قطعنامه ضدایرانی در شورای حکام آژانس (۲۲ خرداد ۱۴۰۴)، نقطه اوج انفعال اروپا بود. این قطعنامه، که با پیش‌نویس تروئیکا و گزارش مغرضانه رافائل گروسی تصویب شد، ادعای «عدم پایبندی ایران» را مطرح کرد، در حالی که گروسی بعداً (۲۸ خرداد) اعتراف کرد شواهدی از برنامه تسلیحاتی ایران وجود ندارد. این قطعنامه، پهنه حقوقی برای حملات اسرائیل در روز بعد و سپس آمریکا را فراهم کرد. اروپا، با این اقدام، نه‌تنها دیپلماسی را نابود کرد، بلکه به شریک جرم تجاوز بدل شد. تجاوزات اسرائیل و آمریکا، خاورمیانه را به آستانه جنگ منطقه‌ای کشاند. اروپا، که می‌توانست میانجی باشد، با انفعال خود این فرصت را از دست داد. به گفته یک دیپلمات اروپایی به سی‌ان‌ان، «مذاکرات ژنو پنجره‌ای واقعی بود، اما آمریکایی‌ها آن را ببستند». این اظهارات، ناتوانی اروپا در تأثیرگذاری بر واشنگتن را تایید می‌کند. موضع‌گیری‌های تروئیکا در شورای امنیت (۱ تیرماه)، که از محکومیت تجاوزات خودداری کرد، اروپا را به بازیگری خرد تقلیل داد. اما در این بین افول اروپا پیامدهای عمیقی دارد. اول آنکه شرایط جدید می‌تواند به کم‌رنگ‌تر شدن اروپا در معادلات منطقه‌ای منجر شود. دوم، اعتبار اتحادیه اروپا به عنوان مدافع دیپلماسی مخدوش شده است. سوم، تشدید تنش‌ها، از جمله تهدید ایران به خروج از NPT، نظام عدم اشاعه را تضعیف کرده است. لذا اروپا که به لحاظ ژئوپلیتیک در همسایگی غرب آسیا قرار دارد با از دست دادن نقش میانجی، می‌تواند تحت تأثیر گرداب بی‌ثباتی خاورمیانه قرار گیرد.

علیه برنامه هسته‌ای ایران تصویب کرد و حلقه تحریم‌ها تنگ و تنگ‌تر شد. در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴، ایران و قدرت‌های جهانی، پس از سال‌ها تقابل، در نهایت به توافق هسته‌ای دست یافتند؛ توافقی که بانام «برجام» شناخته شد و یکی از جامع‌ترین قراردادهای تاریخ معاصر بود. ایران پذیرفت غنی‌سازی خود را محدود کرده و تحت نظارت شدید آژانس قرار گیرد. در مقابل، بخشی از تحریم‌ها لغو شدند. اما با روی کار آمدن ترامپ، آمریکا در ادامه دیپش ۱۳۹۷ به‌طور یک‌جانبه از برجام خارج شد و موج تازماری از تحریم‌ها را به‌راه انداخت؛ تحریم‌هایی که حتی دارو و غذا را نیز هدف قرار دادند.

عصر ترامپ و ترور

در دی ۱۳۹۸، پیاده‌های آمریکایی در عملیاتی جنایت‌کارانه در بغداد، حاج قاسم سلیمانی، فرمانده دلیر و محبوب نیروی قدس را به شهادت رساندند. این اقدام بی‌سابقه، منطقه را در آستانه یک جنگ تمام‌عیار قرار داد. پاسخ ایران، حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد در عراق بود؛ حمله‌ای که دست‌کم بیش از ۱۰۰ سرباز آمریکایی را دچار آسیب مغزی کرد. با پایان دولت اول ترامپ و حضور جو بایدن در کاخ سفید، اوضاع و روابط ایران و آمریکا بافت و خیز کمتری به مسیر خود ادامه داد. اما با پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات و حضور دوباره او در کاخ سفید، ماجراهای جدیدی پیش آمد. در اسفند ۱۴۰۲، ترامپ با ارسال نامه‌ای رسمی به رهبر انقلاب، خواستار آغاز گفت‌وگوهای جدید شد. مذاکرات غیرمستقیم بین‌نمایندگان ایران و آمریکا در عمان و رم آغاز شد. با وجود برخی پیشرفت‌ها، یکی از موارد اختلافی اصلی، حق غنی‌سازی ایران بود. دو روز پیش از دور ششم گفت‌وگوها، اسرائیل در حملاتی هماهنگ، اهدافی در اصفهان، کرمان و نطنز را هدف گرفت. در پاسخ، واشنگتن نیز وارد میدان شد. حمله یکشنبه‌شب، شامل بیش از ۱۲۵ هواپیما، ۷۵ بمب هدایت‌شونده و مشارکت مستقیم نیروی هوایی آمریکا بود.

یک دشمن، یک ملت مقاوم

تاریخ رابطه ایران و آمریکا، تاریخ ایستادگی ملتی است که با وجود کودتا، جنگ، تحریم، ترور و تجاوز، از حق خود عقب ننشسته است. امروز، ملت ایران همان گونه که در سال ۱۳۳۲ ایستاد، همان گونه که در ۱۳۵۷ سلطه را برچید، و همان گونه که پس از شهادت سردار سلیمانی پاسخ داد، بار دیگر آماده دفاع و حراست از منافع خود است. اگر کاخ سفید بارها از «گزینۀ نظامی» سخن گفته، ایران بارها ثابت کرده که گزینه مقاومت را با جان می‌پذیرد. در این بازی نابرابر، برگ برنده ایران، ایستادگی و تکیه بر ملتش است و این برگ، در هفت دهه گذشته هرگز شکست نخورده.



روزنامه اشپیکل آلمان که همواره با ترامپ مخالف بوده و او را فردی دروغگو، مزور و مضر خوانده در تیتروی کنایی، این جنگ را «جنگ ترامپ» خوانده است.



هیوستون کرونیکل آمریکا معتقد است آمریکا با بمباران هوایی تأسیسات هسته‌ای ایران به جنگ اسرائیل با ایران وارد شده است.



یواس‌ای تودی آمریکا، تیترو اصلی خود را به صدور بالاترین سطح هشدار به نبره‌ها و پایگاه‌های آمریکایی در پی حمله هوایی به ایران اختصاص داد.

نشانل بریتانیا، تیترو اصلی این شماره به هشدار مقامات ایرانی مبنی بر عواقب خطرناک حمله هوایی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران اختصاص داد.



بازتاب خلیقات ایرانیان در ادبیات به وقت جنگ و بحران در گفت و گو با آرش حیدری

مشکل از «ما» نیست

از «ما» ساختن های روشنفکرانه است

رفتارهای بقا در نسبت با حیات اجتماعی و منطق حکمرانی صورت می پذیرد و ربطی به ذات ایرانی ندارد



مهسا کلانکی

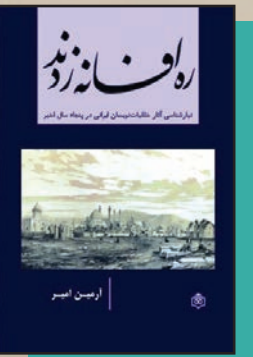
هفت صبح

آیا خلیقات ما ایرانیان و پر خوردمان در مقاطع تاریخی یا مشکلات، ذاتی است یا اکتسابی؟ این پرسش بنیادین دودیدگاه را در بر می گیرد: نخست اینکه این رفتار به اعتقاد برخی مانند محمدعلی جمالزاده به ذات ما ایرانیان بازمی گردد یا به اعتقاد برخی دیگر از جامعه شناسان در زمان بحران احساس ناامنی در همه جوامع باعث تغییر در خلق و خو می شود. در ضمیر ناخودآگاه جمعی مدام خود را متهم می کنیم که ما ایرانیان تنبل هستیم، ما ایرانیان فقط اعتراض می کنیم، ما ایرانیان روحیه کار جمعی نداریم و... اما سوال اصلی این است: بر حسب هابی که همواره به ما ایرانی زده شده چه از سوی خودمان و چه از سوی مستشرقان و غربی ها چقدر با واقعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ما همخوانی دارد؟

«سازگاری ایرانی» مهدی بازرگان و کتاب «چرا ایران عقب ماند و چرا غرب پیش رفت» کاظم علمداری، هم از این دست آثار هستند. اقبال جامعه ایرانی به کتابهایی درباره خلیقات ایرانیان – که پر فروش ترین کتاب های حوزه علوم اجتماعی را در بر می گیرد – نشان از این دارد که جامعه متوجه مسئله مند بودن موضوع خلیقات شده است و به آثار این حوزه توجه ویژه دارد، اما در آثاری که نگارش شده هنوز آسیب شناسی برخی خلیقات در زمان بحران در جامعه ایرانی یک پرسش اساسی است.

متون غیر علمی و عامیانه

در همه این کتاب ها چند ویژگی مشترک می بینیم که باعث می شود همه را بتوان در یک گفتمان یکپارچه جای داد. هر یک از این ویژگی ها به تنهایی نقشی مهم محسوب می شود و برای نامعتبر ساختن یک متن علمی کفایت



مردم در هنگامه بروز فاجعه دچار هراس می شوند شرقی، غربی و ایرانی و خارجی ندارد این یک قاعده عام رفتار بشری است. بشر و گروه های اجتماعی در هنگامه بروز فاجعه هراس می گیرد و رفتارهای بقا را پیش می گیرد

هنر

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۴۰۸۲ | سه‌شنبه | ۳ تیر | ۱۴۰۴

چرا «صفتی» را به ایرانی ها چسباندند

آرش حیدری، جامعه شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و فرهنگ، از نویسندگان کتاب «برآمدن زائر خلیقات در ایران» است که با جستجوی نامش در اینترنت می توان به تلاش های علمی اش در این زمینه پی برد. حیدری درباره خلق و خوی ایرانی در زمان بحران های مختلف به خصوص جنگ معتقد است مسئله این نیست که «ما ایرانی ها» چه صفتی داریم، مسئله این است که چرا و چگونه دانشی شکل گرفت که تلاش کرد صفتی خاص را به «ما ایرانی ها» بچسباند.

دآوری های اخلاقی اسطوره ای

او در پاسخ به این پرسش که چرا زمانی که یک بحران عمومی مانند جنگ پیش می آید مردم ما به جای همدلی اجتماعی یکباره پشت یکدیگر را خالی می کنند و به یک ترس اجتماعی دامن می زنند؟ بیان کرد: «هرگز مردم دیگر نقاط جهان در هنگام بروز معضل عمومی مانند جنگ چه می کنند؟ در کی که ما از روان شناسی اجتماعی داریم درک بسیار مخدوشی است. ما تصور می کنیم با علم الاخلاق جامعه را می شود اداره یا فهم کرد. این دآوری های اخلاقی و سنگر گرفتن در خلق و خوشناسی اسطوره ای است ۱۵۰ ساله که از دهه ۴۰ بدین سو جان بیشتری گرفت. مسئله را به خلق و خوی مردم فرو کاستن یعنی در پرانتز گذاشتن وجهه عینی از سازو کارهای تاریخی و اجتماعی. اینکه مردم در هنگامه بروز فاجعه دچار هراس می شوند شرقی، غربی و ایرانی و خارجی ندارد این یک قاعده عام رفتار بشری است. بشر و گروه های اجتماعی در هنگامه بروز فاجعه هراس می گیرند و رفتارهای بقا را پیش می گیرند. مسئله اینجاست که این هراس چگونه به وضع عمومی و کلان اداره جامعه گره می خورد و چگونه جهت می گیرد؟ وقتی پیام درونی یک وضعیت این است که خودت باید مراقب خودت باشی و هیچ کس و هیچ نیرویی نیست که از تو حمایت کند شما در هر جای دنیا هم باشید با احساس عمیق ناامنی و رفتارهای متناسب با آن مواجه خواهید شد.»

احتکار به وقت جنگ، نتیجه مکانیسم حکمرانی است

او درباره اخلاق ایرانیان در زمان جنگ و برای مثال در زمینه احتکار کالا می گوید: «در مورد طیفی از رفتارها همچون احتکار می شود کلی دآوری اخلاقی در مورد احتکار کننده ردیف کرد که چه انسان پلید و حقیری است که حتما

هست، به نظر من مسئله اینجا نیست، مسئله بر سر آن ساز و کار توزیع و تولید کالا است که احتکار کردن آنقدر در آن راحت است. چرا تصور می کنیم در مکانیسم های حکمرانی باید روی خوب بودن و مهربان بودن آدم ها حساب کرد؟ فرایند حکمرانی که نباید روی این حساب کند که شانس بیابود در هنگامه بحران افراد خوبی پیدا بشوند و احتکار نکنند مسئله بر سر این نیست که مردم «ما» احتکار می کنند، مسئله اینجاست که ساز و کار کلان اقتصاد، منطق تولید و توزیع کالا و گره خورد گیش با رانت و هزار معضل دیگر در احتکار را باز می گذارد. واقعا تصور می کنید اگر برای مثال در آلمان در احتکار کردن باز باشد کسی آن جا احتکار نمی کند؟ من فکر می کنم این خلیقات گرایانه خواندن ماجرا به سمتی پیش می رود که از اساس در کی از حیات اجتماعی ندارد. حیات اجتماعی یعنی منطق گره خوردگی انسان ها به یکدیگر، آنچه واحد تحلیل است این گره خوردگی است، این گره هاها است نه خلق و خوی تک تک آدم ها.»

ما ایرانی ها خود خواهیم؟ نگاه یک سویه تمامیت خواه

حیدری در پاسخ به این پرسش که مرحوم محمدعلی جمالزاده در کتاب «خلیقات ما ایرانیان» اشاره داشته است که این موضوع در ایرانیان به نوعی خودخواهی باز می گردد؛ آیا ما ایرانیان خودخواهیم؟ گفت: «مسئله را یک گام عقب تر برد. در سوال شما این فرض وجود دارد که ما ایرانی ها یک دردی داریم که همان خودخواهی است. حالا چرا اینطور است، گروهی آن را به ژنتیک ما ربط می دهند و گروهی آن را به خاطر استبداد ریشه دار می دانند. من عرض چیز دیگری است. من عرض این است که خود این ادعا که «ما ایرانی ها خودخواهیم» ادعایی مشکوک است؛ به دلایل بنیادین تاریخی. برای مثال «ما» یعنی چه؟ طی چه فرایندی این «ما» را بر می سازیم؟ مرد فارسی که در فرمانیه می نشیند طی چه فرایندی یا دختر بلوچی که در کپر است جمع می شود و بعد یک میانگین خلق و خویی می گیرند؟ بحران اول در همین مفهوم «ما» باید جستجو شود که دارای یک صفت مشترک است. ۸۰ میلیون آدم را واحد می کنیم بعد به آن صفتی روان شناستی می دهیم؟ صفتی که بیش از آنکه راهی بگشاید بر ابهام می افزاید. خود خواه بودن یعنی چه؟ الان برویم در فلان کشور پیشرفته یک پیمایش انجام بدهیم ببینیم چند درصد نگرش های خود خواهانه دارند؟ این ها همه قرار دادن از پاسخ به مسائل و پرسش های عمیق تر است. مسئله بر سر تغییر، دگرگونی و شکل بندی ها است نه دچار بحران هستی شناسانه است. سطح بعد بر می گردد به تاریخ شکل گیری خود این ایده «ایرانی خودخواه» این ادعا، ادعای شرق شناسانه است. سفرنامه نویسان و مستشرقین طی دوران استعمار مجموعه ای از متون را درباره خلق و خوی مردمان سرزمین های دیگر تولید کردند که می شود مفصل به آن ها پرداخت. این نگاه یکسویه تگر و خام اندیشانه کل کثرت و تمایزات و تفاوت های سرزمین های به اصطلاح «شرقی» را در پرانتز گذاشت و همه را ذیل یک نگاه یک سویه تمامیت خواه

یکدست کرد و صفت داد. ادوارد سعید در اثر شرق شناسی این مسئله را به خوبی نشان داده است.»

به مفروضات بنیادین شک کنیم

این جامعه شناس افزود: «من فکر می کنم باید در این مفروضات بنیادین کمی شک کنیم. برای مثال این ایده که «روحیه» استبدادی داریم، عمیقاً نسبت به صد و پنجاه سال مبارزات ضد استبدادی، انواع جنبش ها، تحولات، تلاش ها کور و کر است. این ایده که «ما خودخواهیم» به انبوهی از رفتارهای یاری گرایانه و شکل بندی اجتماعات محلی و منطقه ای در هنگامه بروز بحران ها کور و کر است چرا؟ چون می خواهد این ایده بنیادین را اثبات کند که «ما ایرانی ها» یک صفت خاص داریم بعد هم دست بزند به انواع درمان هایش که چیزی جز هجوم افسار گسیخته به زندگی را در پی نداشته اند.»

صفت شخصیت شناسانه کثیر خطای هستی شناسانه

حیدری ادامه داد: «با حرف های من به این معنا است که پس «ما خیلی خوبیم» به هیچ وجه، مسئله اینجا است که حمل صفت روان شناختی و شخصیت شناسانه به شکل بندی کثیر، متمایز و در حال تغییر و تبدیل یک اجتماع یک خطای عمیقاً هستی شناسانه است. مسئله این نیست که «ما ایرانی ها» چه صفتی داریم، مسئله این است که چرا و چگونه دانشی شکل گرفت که تلاش کرد صفتی خاص را به «ما ایرانی ها» بچسباند.»

آموزش دهیم و فرهنگ سازی کنیم

حیدری درباره اینکه برخی معتقدند که عوامل تاریخی و حمله هایی که در طول تاریخ به ایران شد در رفتار و خلیقات ایرانی تأثیر گذاشت و عده ای نبود فرهنگ سازی را دلیل برخی رفتارهای می دانند بیان کرد: «این نگاهی است مرکز گرا، تهران محور و البته روشنفکر مآب که دور ایستاده است و کثیری از رویدادها و رفتارها را یکی و واحد می بیند. این نگاه جریان اصلی فهم حیات اجتماعی در ایران است، زیست اجتماعی ۸۰ میلیون انسان با تفاوت ها و تمایزات درونی که دارند خیلی بیشتر از این دآوری های عام است. وظیفه علم، روشن کردن این تفاوت ها و فهم درونی آن ها است نه توهم یافتن بافتن. این تفکر ذات گرا است و فرض می کند فصل مشترک یا همان جوهر بنیادین را یافته است. پدیده های اجتماعی جوهر ندارند، این درس اول تفکر جامعه شناسی است. مسئله بر سر تغییر، دگرگونی و شکل بندی ها است نه یافتن جوهره نسبیتی وجود دار بین منطق زندگی اجتماعی و ساز و کار متعین شدن آن در فضا- زمان. بیابید برای مثال به ترافیک فکر کنیم هیچ چیز احتکار تر از توضیح بحران ترافیک با خلیقات نیست. جنس ما جور جور است. ایرانی خودخواه، قانون گریز حلاشت ماشین نشسته خب بدیهی است چطور رانندگی می کند. می بینید همه چیز حل شد، نتیجه، باید آموزش بدهیم و فرهنگ سازی کنیم.»

بقا، حیات اجتماعی و منطق حکمرانی

او با اشاره به اینکه این گونه رفتارها را می توان در خلیقات ایرانیان ثابت دانست؟ افزود: «رفتارهای بقا در نسبت با سازو کارهای حیات اجتماعی و منطق حکمرانی و در دسترس بودن یا نبودن صورت می پذیرند و هیچ ربطی به ذاتی به نام ایرانی بودن ندارد. احتمالاً باید از تداوم یک وضعیت تاریخی که همنا و وضعیت جانشینی در اقتصاد جهانی است حرف زد تا بشود چنین چیزی را توضیح داد، هجوم به انبهارها و احتکار رفتاری نیست که ربطی با ایرانی بودن، هندی بودن، آلمانی بودن، ژاپنی بودن داشته باشد. بحث بر نسبت رفتار، نگرش و وضعیت مستقر زندگی است.»

اخبار مایوس کننده جنگ را باور کنیم؟

و امروز این سؤالی که در اذهان تداعی می شود این است که در این سیل روان پریشان کننده جنگ باید خبرهای مایوس کننده اقتصادی، افزایش افسار گسیخته تورم، ناپسمانی بازار ارز و سکه در این روزهای متهرب را باور کرد و یا باید تسلیم فضای مجازی و شبکه های بیگانه شد و یا به خلیقات مثبت ایرانیان توجه کرد.



دورهمی محلی در ایستگاه‌های مترو؛ ظرفیتی برای تقویت روحیه جمعی و همبستگی

پناهگاهی به نام مترو

حمیدرضا خالدي
هفت صبح

ضرب المثل‌ها و مثل‌ها در خود حکمتی دارند. وقتی غم سراسر همه بیاید، وقتی درد برای همه یکسان باشد، وقتی بلا و بحرانی به یک اندازه تمام احاد مردم را تحت تأثیر قرار دهد، تحمل آن برای جامعه سهیل تر خواهد بود. به قول همان ضرب‌المثل قدیمی که می‌گفت عزای دسته جمعی عروسی است. شبی که فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت اعلام کرد که مترو از امشب برای پناهگاه مردم ۲۴ ساعته باز خواهد بود، این نقاط به پاتوقی برای پذیرایی از شهروندان تهرانی شد که هنوز در پایتخت مانده بودند و از آنجایی که پناهگاهی در تهران برای آنها معرفی نشده بود، به ایستگاه‌های مترو هجوم برده بودند. براساس گزارش‌های منتشر شده از آن شب، درهای مترو تا ساعت ۱۱ باز بود و پس از آن، با رعایت پروتکل‌های امنیتی، در صورت مراجعه شهروندان، بازگشایی می‌شد. همچنین آمارها حکایت از آن داشت که بیش از چهار هزار نفر به ۱۰۵ ایستگاه مراجعه کرده بودند که با همراهی کارکنان شرکت بهره‌برداری، در سالن اصلی ایستگاه‌ها مستقر شدند. بیشترین مراجعه مربوط به خط ۲ و ۶ بود. با این حال معلوم نشد که چرا فقط همان شب، مترو نقش پناهگاه را ایفا کرد و بعد از آن دوباره درهای آن روی شهروندان بسته شد! این اقدام اما این سوال را در بین افکار عمومی مطرح کرد که آیا اصولاً ایستگاه‌های مترو تهران می‌تواند پناهگاهی برای مردم باشد یا خیر؟

یکی از بحث‌های مهم در زمینه پدافند غیرعامل، استفاده از

زیرساخت‌های موجود شهری به عنوان پناهگاه‌های اضطراری است. در این میان، سیستم‌های مترو به دلیل عمق زیاد، سازه‌های بتنی مستحکم و قابلیت پذیرش حجم بالای جمعیت، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به پناهگاه‌های موقت در زمان بحران دارند.

مترو-پناهگاه: تجربه‌ای جهانی

استفاده از مترو به عنوان پناهگاه در دنیا سابقه‌ای بس طولانی دارد. در طول جنگ جهانی دوم، ایستگاه‌های متروی لندن به طور گسترده‌ای به عنوان پناهگاه‌های عمومی مورد استفاده قرار گرفتند، این ایستگاه‌ها، هزاران نفر را برابر بمباران‌های هوایی آلمان نازی پناه دادند و به نمدای از مقاومت مردم لندن تبدیل شدند. هنوز هم در ابتدا، دولت بریتانیا قصد نداشت از مترو به عنوان پناهگاه استفاده کند اما با مخالفت گسترده افکار عمومی مواجه شد. شدت حملات آلمان نازی نیز سبب شد تا بریتانیا در مخالفت خود تجدید نظر کند و این فضاها را به پناهگاه‌هایی رسمی تبدیل کرد. در ادامه سالن‌های مترو، واگن‌ها به پاتوق‌های محلی تبدیل شدند و مردم خود دست به کار شدند و با وجود ازدحام جمعیت کمبودها را با همیاری و همدلی جبران کردند. کم‌کم، ایستگاه‌های مترو به امکاناتی مجهز شدند که مردم آماده کرده بودند و سالن‌ها و ایستگاه‌های مترو به مراکز توزیع غذا، توالت‌های موقت، شیر آب و حتی درمانگاه مجهز شدند. حتی گروهی از مردم برای روحیه بخشی به جامعه به اجرای برنامه‌های فرهنگی مانند موسیقی، تئاتر، داستان‌گویی و انتشار روزنامه‌های محلی روی آوردند.

زندگی در مترو روابط اجتماعی تازه و حس همبستگی شدیدی

میان مردم ایجاد می‌کند. مردم از طبقات گوناگون دورهم جمع می‌شوند و با تعریف خاطرات و تجربه‌های مشترکی که دارند روح همدلی و مقاومت را در دل جامعه زنده نگاه می‌دارند این تجربه به بخشی از حافظه جمعی بریتانیا تبدیل شد و بعدها آثار فرهنگی فراوانی بر همین اساس تولید شد. هنوز هم بسیاری از ایستگاه‌های متروی لندن دارای تابلوهای راهنمای پناهگاه هستند.

بنابراین می‌توان گفت استفاده از مترو به عنوان پناهگاه در شرایط بحرانی یک راهکار قابل قبول و حتی در بسیاری از موارد ضروری است، اما با چند شرط؛ نخست اینکه اگر سیستم مترو از ابتدا با در نظر گرفتن کاربری دوگانه (حمل و نقل و پناهگاه) طراحی شده باشد، این کاربری بسیار مؤثرتر خواهد بود، این شامل استحکام سازه، سیستم‌های تهویه، دسترسی به آب و برق اضطراری و فضای کافی برای جمعیت است. شرط دوم این است که ایستگاه‌های مترو باید به امکانات اولیه پناهگاه مانند آب آشامیدنی، سرویس بهداشتی، کمک‌های اولیه و تجهیزات ارتباطی مجهز شوند. همچنین، پرسنل مترو و نیروهای امدادی باید آموزش‌های لازم برای مدیریت بحران و پناه دادن به مردم را دیده باشند. شرط سوم مدیریت جمعیت است؛ در شرایط بحرانی، کنترل و مدیریت جمعیت در ایستگاه‌های مترو از اهمیت بالایی برخوردار است تا از هرج و مرج و حوادث ناگوار جلوگیری شود.

پناهگاه‌هایی که در باز و بسته بودن‌شان تردید است برخی از پناهگاه‌های شناخته‌شده که در حافظه عمومی و اسناد غیررسمی جای دارند، شامل پناهگاه بزرگ پارک شهر در مرکز

پایتخت، مجموعه‌های زیرزمینی اطراف ورزشگاه آزادی، پناهگاه‌های قدیمی در منطقه نارمک و همچنین زیرزمین‌های امن بازار تهران هستند. این مکان‌ها اغلب در دهه ۶۰ طراحی و احداث شده‌اند و هنوز در نقشه مدیریت بحران شهر به عنوان نقاط بالقوه پناهگیری لحاظ می‌شوند. با وجود این، مسئولان هشدار می‌دهند که مراجعه به این پناهگاه‌ها تنها در صورت اعلام رسمی و از مسیرهای مشخص شده باید انجام شود. مراجعه خودسرانه می‌تواند موجب اختلال در فرآیندهای امدادی و ایجاد خطر برای افراد شود. از این رو، شهروندان باید منتظر اطلاعیه‌های رسمی از سوی نهادهایی مانند شهرداری تهران، سازمان مدیریت بحران یا ستاد کل پدافند غیرعامل کشور باشند. گرچه هنوز مشخص نیست که چرا دولت یا نهادهای مرتبط اقدامی برای بازگشایی این پناهگاه‌های ایمن نمی‌کنند؟

وضعیت کنونی ایستگاه‌های متروی تهران؛ در مترو تهران پناه بگیریم؟

با تمام این تفاسیل از آنجایی که هنوز پناهگاه‌های شناخته شده برای عموم بازگشایی نشده‌اند به نظر می‌رسد ایستگاه‌های متروی تهران، با وجود اینکه اغلب برای حمل‌ونقل روزمره طراحی شده‌اند و بسیاری از الزامات کامل پدافند غیرعامل، مانند تعبیه سرویس‌های بهداشتی در آنها پیاده نشده‌اما همچنان می‌توانند به عنوان یکی از گزینه‌های مناسب برای پناهگیری در شرایط بحران مطرح شوند. به گفته کارشناسان، تنها ایستگاه قطره به با هدف مقاومت در برابر بمباران ساخته شد اما به دلیل تغییر مدیریت، زیرساخت‌های پدافندی آن

کامل نشده و بهره‌برداری رسمی از آن بدون تکمیل این امکانات صورت گرفته است.

استفاده از ظرفیت‌های مردمی

شهرداری به عنوان نهاد متولی امور شهری در چنین شرایطی می‌تواند با استفاده از ظرفیت سرمایه اجتماعی و تعامل با شهروندان از طریق شوراهای محلی، نهادهای محله محور، همچنین ایجاد ارتباط با معتمدان محلی در آramش بخشی در جامعه نقش موثری ایفا کند. در شرایطی که جامعه در شرایط اضطرار به سر می‌برد بهره مندی از اکثریت ظرفیت اجتماعی جامعه راز عبور از بحران‌ها تلقی می‌شود. امری که طی سال‌های جنگ هشت ساله تحمیلی به خوبی در جامعه تجربه شد و برگ زرینی از وحدت میان مردم و مسئولین را به نمایش گذاشت.

استفاده از رسانه ملی برای ایجاد آرامش در جامعه و اطلاع‌رسانی درباره چگونگی استفاده از مترو به عنوان پناهگاه می‌تواند یکی از راه‌هایی باشد که شهرداری تهران برای آگاهی بخشی به جامعه از آن استفاده کند.

مترو و اتوبوسرانی رایگان برای شهروندان

رایگان کردن سیستم حمل و نقل شهری برای همشریان تهرانی نیز از جمله اقدامات پسندیده‌ای است که از سوی شهرداری تهران تصمیم‌گیری شده. این اقدام علاوه بر سهولت حمل و نقل برای همشریان به خصوص چنانچه از خطوط مترو استفاده کنند می‌تواند علاوه بر سهولت در حمل و نقل ایمنی بیشتری را برای شهروندان به همراه داشته باشد.

یادداشت

طبع لطیف کودک کان در کشاکش بیم و امیدهای روزهای جنگی

در روزهای پر تنش چگونه با کودکان رفتار کنیم

گروه جامعه | اخبار جنگ می‌تواند تأثیر عمیقی بر روان

کودکان بگذارد، حتی اگر آن‌ها به طور مستقیم در مناطق جنگی نباشند. کودکان ممکن است از طریق رسانه‌هایی مانند تلویزیون، روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با تصاویر و اطلاعات مربوط به جنگ مواجه شوند که می‌تواند باعث افزایش اضطراب، ترس و کاهش احساس امنیت شود. این تأثیرات می‌تواند به ویژه زمانی شدیدتر باشد که کودکان اضطراب والدین خود را احساس کنند. کودکان همیشه برای احساس امنیت و آرامش به والدین خود نگاه می‌کنند، بالاخص در زمان بحران. «اینها بخشی‌هایی از مقاله یونیسف در چند روز گذشته در مورد چگونگی رفتار با کودکان در زمان جنگ است که حکایت از اهمیت موضوع بر خورد با کودکان در زمان بحران و از جمله همین ایام جنگی است.

جوانان و کودکان در سیبل حملات جنگی

جنگ نرم که به عنوان جنگ روانی یا عملیات روانی نیز شناخته می‌شود، شامل استفاده از تکنیک‌های غیرنظامی مانند تبلیغات، اطلاعات نادرست، نفوذ فرهنگی و رسانه‌ای برای تأثیر گذاری بر افکار، احساسات و رفتارهای گروه‌های هدف است. جوانان و نوجوانان به دلیل حساسیت عاطفی، به‌ویژه در برابر تأثیرات جنگ نرم آسیب‌پذیر هستند. کودکان سربازان از جمله این گروه‌های خاص هستند که در شرایط بحرانی و خاص دچار آسیب‌های جدی می‌شوند. در برخی درگیری‌ها مانند عراق، کودکان به عنوان سرباز به کار گرفته شدند که منجر به آسیب‌های روانی شدید می‌شود. همچنین جوانان که برای مدت طولانی در مناطق جنگی حضور مداوم دارند دچار آسیب می‌شوند. به عنوان مثال در مناطق جنگی مثل غزه جایی که ۶۵ درصد جمعیت زیر ۲۵ سال هستند، مواجهه مداوم با خشونت و تبلیغات روانی تأثیرات آشکاری بر روانشناسی افراد دارد.

آن دارد که بسیاری دیگر نیز نشانه‌های انزوا، اضطراب شدید و حس فراگیر ناامیدی را تجربه می‌کنند.

چه باید کرد؟

اما برای جلوگیری از بروز این تنش‌های روحی و استرس‌ها و اضطراب‌هایی که کودکان را در جنگ تهدید می‌کند، چگونه باید با آنها رفتار کرد؟

دکتر حسین بهادری، روانشناس کودک معتقد است که با در پیش گرفتن یکسری از رفتارهای ساده اما مهم می‌توان آثار این اضطراب‌ها را به حداقل ممکن رساند. وی در گفت و گو با «هفت صبح» با اشاره به اینکه باید کاری کرد تا تاب آوری و ظرفیت روحی و روانی کودکان تقویت شود می‌گوید: یکی از این راهکارها این است که باید تلاش کنیم تا جایکه ممکن است، کمتر درباره اخبار ناخوشایند جنگ برابر کودکان صحبت کرد چون آنها ظرفیت پذیرش این حجم از اخبار خشن و استرس‌زا را ندارند.

وی می‌افزاید: دومین گام این است که باید کاری کنیم تا کودکان «برون ریزی» داشته باشند. یعنی کاری کنیم تا برای ما دل نگرانی‌ها و اضطراب‌هایشان بگویند و ما هم با صبر و حوصله به وی با ذکر اینکه تقویت روابط بین اعضای خانواده می‌تواند نقش مؤثری در این میان داشته باشد می‌گوید: مثلاً اگر قبلاً به خاطر مشغله‌های کاری روزی یکی – دو ساعت در خانه کنار هم بودند حالا اعضای خانواده باید تلاش کنند تا این زمان بیشتری را در درون خانه با هم سپری کنند و با هم سر سفره بنشینند و غذا بخورند و با کودکان بازی کنند و فیلم ببینند و...

تلاش برای عادی سازی زندگی کودکان

این روانشناس کودک همچنین با تأکید بر اینکه کلا نباید کاری



وی تصریح می‌کند: همچنین بهتر است نور داخلی خانه را نیز ملایم کرد و کودک خود را بیشتر در آغوش بکشیم و سعی کنیم با دقت و حوصله به گونه‌ای در مورد صداها و صحنه‌های خشنی که احتمالاً شاهد آن بوده صحبت کنیم و به سوالاتش پاسخ دهیم تا وی اطمینان پیدا کند که در محیط زندگی اش امن است و خطری تهدیدش نمی‌کند.

بهادری توصیه ای جدی را به عنوان جمع بندی تکنیک‌های پیشنهادی خود برای بر خورد با کودکان در زمان جنگ عنوان می‌کند و می‌گوید: در کنار تمام این توصیه‌ها ولی نباید این نکته را فراموش کنیم که حتی اگر همه این تکنیک‌ها را به کار بریم اما خودمان آرامش کافی را در رفتار و حرکاتمان نداشته باشیم، عملاً تلاش ما بیپوده خواهد بود و فرزند ما رنج و اضطراب و استرس‌هایی را تجربه خواهد کرد که مسلمان را آینده وی تأثیر گذار خواهد بود.

کرد که روال معمول زندگی کودکان مختل شود ادامه می‌دهد: مثلاً اگر تا قبل از جنگ کودک مان به کلاس فوق برنامه درسی یا ورزشی می‌رفت باید آنها را ادامه دهد تا اطمینان پیدا کند که زندگی همچنان مانند گذشته ادامه دارد.

به تمام این تفاسیل همچنان یک سوال اساسی باقی می‌ماند. اینکه چنانچه کودک ما با یکی از صحنه‌های دلخراش جنگ یا مثلاً حملات هوایی در محله یا در بین همسایگان خود برخورد کرد، آنوقت چگونه باید شوک و اضطراب ناشی از آن را برای وی کاهش داد؟ دکتر بهادری در این مورد نیز می‌گوید: براساس پروتکل‌های موجود قبل از هر چیز باید کاری کرد که کودکان کمتر در معرض صداها و نورها و دیگر آثار جنگ قرار گیرد. مثلاً باید از پرده‌های ضخیم استفاده کرد یا یک عروسک و یا ماشین کنار تخت وی قرار داد. باید پنجره‌ها را بست تا صدا کمتر وارد خانه شود و در عین حال با استفاده از موزیک‌های ملایم فضای خانه را آرام بخش کرد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
 زیر نظر: شورای سردبیری
 مدیر هنری: وحید غفاری
 دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر ورزش: امید ذاکری نیا
 دبیر حوادث، فاطمه شیخ علیزاده
 دبیر صفحه آخر: بابک نبی، دبیر بین الملل: رامتین لطیفی
 ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتمی کللی

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با
 اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
 ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
 pr@7sobh.com
 www.7sobh.com

آذان صبح: ۰۳:۱۲ | طلوع آفتاب: ۰۴:۵۳ | آذان ظهر: ۱۲:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹:۰۹ | آذان مغرب: ۱۹:۲۹

هفت صبح

هشدار به وجدان جهانی

تاریخ بشر در میانه بحران؛ صدای ایران

حراست از جان انسان ها و میراث مشترک، مطالبه امروز جهان



ایران سرزمینی است که گستره‌ای بی‌مانند از آثار باستانی و شواهد عینی تاریخ و تمدن بشری را در دل خود جای داده است. وجود محوطه‌های سترگ و شگفت‌انگیزی همچون جیرفت، سبکک کاشان، چشمه علی شهداد، شهر سوخته و ده‌ها سایت باستانی دیگر، سبب گشته که فلات ایران صرفاً مهد فرهنگ و هویت ایرانی نیست که حلقه‌ای جداناشدنی از زنجیره تاریخ جهان تلقی شود. ارزش این سرزمین، تنها به خاک و اقلیم آن محدود نمی‌شود؛ این جغرافیا، عرصه‌ای است که بخش مهمی از سیر تطور انسان متمدن در آن رقم خورده و بدون واکاوی و شناخت آثار موجود در این فلات،

روایت تاریخ بشر ناقص و ناتمام خواهد ماند.

در میان این آثار، محوطه‌های عظیمی چون تخت جمشید، چغازنبیل، ارگ بم، تخت فولاد، شوش، بیستون، تپه حصار و میدان نقش جهان، علاوه بر اینکه روایتگر قصه‌های ایرانیانند، گویای فصل‌هایی از تاریخ جهان هستند. این موارث، فراتر از مرزهای جغرافیایی و سیاسی، شناسنامه مشترک بشریت به شمار می‌آیند و هر خدشه‌ای که بر آنها وارد شود، به معنای آسیب رساندن به بخشی از حافظه و هویت جمعی انسان است.

فلات ایران همواره به‌عنوان بستری غنی برای تکوین و بسط تمدن‌ها شناخته شده است. کشفیات متعدد در این سرزمین، ابعاد گوناگون حیات، مدنیت، زیست و فرهنگ انسان را روشن ساخته و بخش عمده‌ای از دانسته‌های ما درباره

خاستگاه‌ها و سیر تحول جوامع انسانی، وامدار مطالعه و پاسداشت همین آثار و محوطه‌ها است. هر گوشه این سرزمین، گواهی است بر قدمت و عظمت ایران و هر نقطه آن می‌تواند خود، بخشی از یک سند هویتی جهانی باشد. تخریب یا تهدید این موارث، چیزی فراتر از آسیب به میراث ایرانی است؛ در حقیقت، تعرض به میراث مشترک و سند هویت نوع انسان خواهد بود.

در شرایط فعلی که تهاجم ناجوانردانه رژیم صهیونیستی و حامیانش، ایران و مردم آن را هدف قرار داده است، نه تنها مسئولیت ملی که وظیفه‌ای بین‌المللی بر دوش تمامی نهادهای فرهنگی و کشفیات متعدد در این سرزمین، ابعاد گوناگون حیات، مدنیت، زیست و فرهنگ انسان را روشن ساخته و بخش عمده‌ای از دانسته‌های ما درباره

سلامت

معجزه‌های کوچک در تغذیه روزانه

راه میانبر به زندگی سالم؛ افزودن، نه کم کردن



هفت صبح | وقتی بحث تغذیه سالم به میان می‌آید، اغلب اولین توصیه‌ها به حذف کردن گره می‌خورد. همه‌جا و همه‌کس درباره کنار گذاشتن غذاهای پرچرب، قندهای افزوده یا کاهش سهمیه گوشت صحبت می‌کنند اما شاید از سلامتی در کم کردن و کاستن نباشد، بلکه در افزودن باشد. داستان آدم‌ها و تغذیه‌شان، روایت تلاش‌های روزمره است؛ همان سبید خرید پسر و خالی، همان ترازوی درونی که مدام سبک و سنگین می‌کند: «امروز چه بخورم؟»

تازه‌ترین نشست انجمن آمریکایی تغذیه، باز یافت خلاقانه یک تمرین روزمره برای ذهن و روح است؛ تمرینی که مثل یک بازی، قدرت تخیل و دست‌های آدم را به کار می‌اندازد و با هر وسیله‌ای که ساخته می‌شود، لذت خلق و حس مفید بودن را به زندگی اضافه می‌کند. تحقیقات هم نشان می‌دهد، هر بار که لباسی کهنه را به جان دوباره می‌رسانیم، از تولید چند کیلو گرم گاز کربن دی‌اکسید جلوگیری می‌شود؛ یعنی هر بار، کمک کوچکی به زمین خسته‌مان می‌کنیم.

این روزها در ایران، از کارگاه‌های باز یافت خلاقه گرفته تا جشنواره‌های محیط‌زیستی مدارس، موج این فرهنگ آرام آرام میان خانواده‌ها و نسل جوان جریان پیدا کرده است. شاید وقت آن رسیده که هزار گاهی

دیدن‌شان و دستی برای ساختن‌شان. شاید انسان و دوستی برای ساختن‌شان. روزی باشد که شما هم با یک ایده ساده، یک تغییر کوچک در خانه یا حتی با سفری به غار موزه دکتر وزیری، معنای تازه‌ای برای «باز یافت» پیدا کنید. چون هر قوطی قدیمی، هر تکه چوب بی‌مصرف و هر شیشه خالی، قصه‌اناملی دارد که منتظر است شما با کمی خلاقیت، آن را به سرانجام برسانید.

شاید مهم‌ترین چالش تغذیه سالم، قیمت و دسترسی نباشد. حتی آنهایی که قدرت خرید سبزی و میوه را دارند، خیلی وقت‌ها نمی‌دانند با یک دسته کلم یا یک مشت عدس چه جادویی می‌توانند در آشپزخانه بیافرینند. این را محققان حوزه سلامت می‌گویند. روز به‌روز، کارشناسان تغذیه، در این نشست، بر یک اصل ساده و کاربردی تأکید کردند: بهتر است تمرکزمان سبزی و غذاهای سالم با چالش روبه‌رو شده‌اند. اما یک نکته کمتر به چشم می‌آید: ایران با افزایش قیمت مواد غذایی و محدود شدن بودجه خانوار، برای تهیه میوه و سبزی و غذاهای سالم با چالش روبه‌رو می‌توان غذاهای سالم را بی‌سروصدا و آرام به بشقاب‌های مان اضافه کنیم.

لوبیا، عدس، نخود و انواع حبوبات؛ دانه‌ها و مغزها، سبزیجات تازه؛ میوه‌هایی که رنگ و عطرشان با هیچ چیز دیگری جایگزین نمی‌شود. حتی یک پیاله نخود در روز، بنا به تازه‌ترین تحقیقات، می‌تواند سطح کلسترول را کاهش دهد و ریسک بیماری‌های قلبی را کم‌تر کند.

ساده است؛ همه ما بارها درباره خواص میوه و سبزی و فیبر شنیده‌ایم. اما فاصله میان دانستن و عمل، گاهی به عمق چاه ویل می‌رسد. تازه‌ترین آمارهای گوید فقط حدود یک دهم بزرگسالان می‌توانند انقدر میوه و سبزی بخورند که به حداقل توصیه‌شده برسند. عددی که با یک نگاه ساده به بشقاب نوعی حس همدلی و هم‌کاری به آدم‌ها

می‌دهد و گاهی نقطه آغاز تغییر سبک زندگی است. نتیجه‌این آموزش‌ها نشان داده حتی کسانی که تجربه آشپزی زیادی ندارند، با کمی آموزش و تمرین می‌توانند به راحتی برای خانواده‌شان غذاهای مغذی درست کنند. همین آشپزی ساده و خلاقانه، هم جلوی هدر رفت مواد غذایی را می‌گیرد و هم سفره‌ها را رنگین‌تر و سالم‌تر می‌کند. گمان می‌رود این شیوه‌ها در ایران نیز با استقبال خوبی روبرو شود و در سبک زندگی امروز موثر واقع شود.

شاید مهم‌ترین پیام همین باشد: وقتش رسیده دوباره به اصول ساده برگردیم. آشپزی در خانه، افزودن سبزی و حبوبات به غذا، امتحان دستورهای تازه و استفاده از مواد اولیه‌ای که شاید تا امروز کمتر به آن‌ها توجه می‌کردیم.

این روزها که از مکمل‌ها و روغن‌های عجیب و غریب گرفته تا قرص‌های کاهش وزن و الگوریتم‌های هوشمند تغذیه همه‌جا ساده و مغذی همان راه‌حل ماندگار باشد. یک بشقاب عدس‌پلو، یک سالاد رنگارنگ، یک مشت گردو یا بادام، می‌تواند معجزه سلامتی باشد. شاید وقت آن رسیده که هر روز، چیزی کوچک اما مفید به بشقاب‌مان اضافه کنیم؛ سلامتی، گاهی در همین سادگی نهفته است.

کد پستی ۱۹۸۸۴۴۳۵۱
 شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۱۷۰۷
 توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

یادداشت

تهران؛ جایی که امید هرگز خاموش نمی‌شود



تهران من، هیچ‌گاه مجالی نیافتم تو را این‌گونه خطاب کنم؛ نه در ازدحام روزمرگی‌ها، نه میان گره‌های کور خیابان، نه زیر آسمانی که گاهی شبیه سقفی کوتاه و سنگین، بی‌نفس بر شهر فرود می‌آید. تو همیشه همراه خاموش و بی‌ادعای من بودی؛ سایه‌ای کشیده در پس‌زمینه زندگی، پناهی که بی‌دریغ، بی‌مرز و بی‌مزد مرا در آغوش گرفته‌ای. ایسن روزها مرا هر لحظه شبیه قطره‌ای از ساعت‌شنی، سنگین و آرام می‌لغزد؛ انگار قلب شهر تندتر می‌تپد، صدای نفس‌هایش را از پس دیوارهای سیمانی می‌شنوم. سکوت حالا عمق دیگری دارد؛ غم و امید را یکجا در خود جاداده‌ای.

تهران، تو را از نخستین لمس خاک پاییزی کوچه‌های جنوب شهر شناختم؛ از خاکستر صبح‌هایی که عطر نان تازه را با اضطراب نان‌آوران در هم می‌آمیختی. شانه‌های بلوار ولیعصر، درختانی را به یاد دارند که هزار نگاه عاشق و خسته را دیده‌اند؛ صدای میدان انقلاب، شعرهای ناتمام دانشجویان را حمل می‌کند؛ پارک‌های محو در مه، لالایی روزهای اند که کودک بودم و هیچ سایه‌ای جز دسپ پدرم بر سرم نبود.

هر طلوع پیش از آنکه خورشید چشمانش را باز کند، تو بیداری؛ بی‌خواب‌اله‌ای، آرامش‌بخش بی‌پاداش. امروز، ترس همانند مهی سمج، پشت پنجره‌ها خزیده است. انفجارها زخم‌هایی‌اند بی‌صدا بر جان تو، زخمی نه بر دیوارهای آجری که تا گاه تا استخوانت رسیده. با این همه، هنوز ایستاده‌ای؛ هنوز امید را از کوچه‌هایت جمع نمی‌کنی.

از پنجره خانه، تپه‌های شمالی مثل شاهدانی خاموش، سر بلند کرده‌اند. ایرها به رسم کهنه خود، بی‌خبر از آتش زمین، هنوز بازی می‌کنند. نانوا دست‌های آردلودش را به صبح بخشیده، پیرمرد آجیل‌فروش بی‌تردید بساط کوچک خود را به لبخند گره زده، دخترکی بادکنک قرمزش را به آسمان می‌سپارد و دست مادر را محکم‌تر می‌فشارد.

تو، شهر من، بلدی چگونه از چیزهای ساده، مرهمی برای زخم‌ها بسازی؛ جادوی تو در همین روزمرگی‌های تکرار شونده است؛ عادت‌ی به ماندن، شعله‌ای خاموش نشدنی در گهواره تلاطم.

در کوچه‌هایت، ردپای خاطرات است و در هر چهارراه، آیینهای از اشک و لبخند. خیال می‌کنم اگر روزی دوری از تو مرا نصیب باشد، تکه‌ای از روح من میان جدول‌های میدان فردوسی، پشت پنجره کافه‌ای در کریمخان یا در قطاری که از زیر شهر عبور می‌کند، برای همیشه جا خواهد ماند.

تهران، آری، سخت است. این روزها حتی هوای تو هم انگار به راحتی در سینه جا نمی‌گیرد. با این همه، تو و فرزندان قرن هاست که یاد گرفته‌اید از گذرگاه توفان عبور کنید. من به تو ایمان دارم، به دست‌هایی که زخمی‌اند اما هرگز از مهر تهی نمی‌شوند؛ به پزشکی که تا سپیده در بیمارستان می‌ماند، به پدیری که هنوز برای نان و امید می‌دود، به جوانانی که زیر باران خطر، از فردا حرف می‌زنند؛ حتی اگر امروز، چشمان‌شان مرطوب باشد.

تو با همین مردمانت هر بار، دوباره متولد می‌شوی.

تهران، قسول می‌دهم روزی دوباره برایت خواهم نوشت، دوباره از زوایای آفتاب تا انتهای کوچه‌های تاریکت خواهم گذشت، به صدای تو گوش خواهم داد و یاد خواهم گرفت که امید را، حتی اگر همه چیز خاموش شد، از تو قرض بگیرم.

تو خانه منی، خانه‌ای که هیچ دستی بر چراغ امیدش نمی‌رسد.

با مهر بی‌پایان،

شهروندی در پناه شعله‌های امید خاموش نشدنی تو.

زندگی جاری است

در دل تمام ناچوانمردی‌ها و تهدیدهای زندگی با تمام قدرتش می‌تپد. امید مثل نسیمی لطیف، در کوچه‌ها و خاطره‌ها جاری است؛ عشق در نگاه‌هایی در خشدو لیخند؛ میان روزمرگی‌ها شکوفه می‌زند. هیچ دشمنی نمی‌تواند شعله‌های زندگی را خاموش کند. این سرزمین قصه‌گوی رنج‌ها و شادی‌هاست. سرزمینی که مردمش با داستانی پر از عشق و قلبی پر از ایمان، فردا را دوباره می‌سازند. این عکس‌ها، سند زنده امید، زندگی و استمرار عشق در سرزمینی هستند که حتی در میان روزهای سخت و دست‌دراز ی خبیثان، زندگی همیشه راه‌خود را پیمایی کند.



عکس: سعید نیکپور



عکس: محمد دشتی



عکس: عرفان کوچاری



عکس: مجید خواهی



عکس: حمید توکلی

عکس: احمد حسنی